

حکیم الملک یکی از متعهدین شاه - و اقبال از آنکه پادشاه حایه ملک تخت و تاج خود در تبریز حکیم خاص ایشان بود - چون بو تخت سلطنت مشتقد حکیم الملک را عهده وزیر درباری داده شد - این عهده بک درجه از صدر اعظمی ایران با این تر تصور می نمود -

چون شاه حکیم الملک را بیخوش میدانست زیاده بردیگران بسجان او کوش فرا میداد - ازینرو صدر اعظم را رقابت ناوی بیرون از عهد شده - کوشش خلق نمود تا او را از دربار دولت تبعید کرد از اخبارات وارده جدید چنان معلوم میشود که رجال دربار و اهالی ایران زیاده بر آنچه تصور نمود مضطرب الحال اند - و هرگونه انقلابی لاین وجه روی دهد دولت روس را ناگوار خواهد بود - (یعنی برای او امید واقع نخواهد گردید)

تجار روسیه که دستی تمام در تجارت ایران دارند از اخبارات موخس آصوب بریشان و سراسیمه گردیده اند - بمرقه جدید کرک بسی و کوشش روس در ایران جاری شد - بدین خیال که دخول مال التجاره انگلیس را در ایران سدی سدید شود - و تجارت روسیه کاملاً رواج گیرد - این معامله فعلاً خیلی باعث هرج و مرج و عدم رضایت اهالی ایران واقع گردیده است - چه بسیاری از اموال تجارتی که محتاج علیه ایرانیانست و جاره جز با استعمال او ندارند - بسبب کرک گران شده - بلوا و شورشیکه تبرز شد برخلاف اینکهها که رئیس کرک بود واقع گردید - قونسل حیرال روس اقدامات محذاه نمود و متعی به ولی عهد ایران شد با محذاه رئیس کرک بمقام اولیه خود قرار گرفت - اخبارات روسیه درباره اغتشاشات مشهد که بواسطه گرانی شده بود مدوینسد که جنرال قونسل روس رعایا را بدین ذریعه آسوده نمود که عرس اشتکای آنها را بدرار ابراه برساند - این واقعه اخبارات روسی جو سوتند - سرح روسیان در ملت و تقاطع آنها

در دربار ایران بود چه اهم روسیه - علت حقیقی نام اختیارات بود بر پیشانی رعایای ایران اینواست که بطریق عموم بگویند دولت ملک و ملت را بدست حکام فروجت و بواسطه خرابی دربار ملک و ولید بیبال اجانب عهده اند

همچنین بخوانید

توجه از روزنامه طمس

غیر روزنامه (طمس) اندوسیه چنین خبر میدهد که اعلیحضرت شاهنشاه ایران شاهزاده وینالدوله که از شاهزادگان بزرگ و نواده خاقان مغنور قاجار شاه و امام اعلیحضرت پادشاه و حکمران طبرستان و محرب و آزموده ایشان است به رسیدگی در اموریکه راجع بسدر اعظم که نفی از ایران شده متعجب فرمود - هیچ جای شه باقی نیست که رحمت جین بیوز حکیم الملک وزیر دربار سبب عزل صدر اعظم و افتادن وی ازین مقام ضعیف گردید - افوا است که صدر اعظم معزول محکوماً بجانب مکه و حاکم بلا بهیبار گردید - در اخبارات روسیه هیچگونه یحی از عزل صدر اعظم و معاملات اندرونی ایران که اهم و مهمی بر میاست باشد دیده نمی شود -

و اگذار نمودن این خدیوات بزرگ و شاهزاده عینالدوله از واقعاتیست که حدی مسروق بدان بود و بسید بیست مجددا در ایران برخی اغتشاشات نمودند گردد - شاهزاده عینالدوله هور ظاهر نشد و که راغب بجانب انگلیس یا متوجه بطرف روسانست مسلماً بهر طرف که میل پادشاه باشد - مائل شده رخ بنواهد نمود - فعلاً شاهزاده موصوف اقتدار و عزت خود را در آن می بیند که با دول احنیه مخالفت نماید تا مانند میرزا علی اصفرخان موسوم و مشهور فروشنده مملکت و مات و دولت بخارجیان نگردد - ولی این نکته را نباید فراموش کرد که - اثرین هم که بدواً بدین مقام اوتقاء جیتند خدایشان بر این بود که دست اجانب را از رسوخ در مملکت ایران کوتاه نمایند و بدین مقصود

ناتوانی فکر و عمل نماید که ظاهر آنست که در صورتی که
 بدین وجه بود تواند عیناً همانند ...
 ... تریجه از روزنامه میانی ...
 ... روز نامه (دوبلین) که منبرترین مجرای انگلیسی
 هندوستان است در باره انعقاد دوبار (لاردرگزین) در
 خلیج فارس بحیثی کرده او را (هارون الرشید) نامی
 افغانی و در آن مینماید که ...
 ... است این دربار با شکوه را برزاند ...
 ... شهر بغداد پای تخت هارون الرشید بود ...
 ... دربار در چین مقام است
 ... گذشته برای این دربار اگر در بغداد شود
 ... تمام قبضه ... خلیج فارس را خواهد
 نمود ... در تمام مسلمانان روی زمین اوقات
 خواهد بخشید

این دربار استلال نامه دولت انگلیس را بر جمیع
 ممالک اعلامیه مرکز قنصل خواهد داد
 اگر این دربار در بغداد شود تکالیف دولت
 عثمانی را با قنصل فراموش خواهد نمود
 ... دربار نور بغداد خود ...
 ... دولت فرانس فراموش خواهد کرد
 این دربار در بغداد تمام مناسبات دولت ایران را
 با روس و غیره با آخر خواهد رسانید
 این دربار سردار حبیب الله خان امیر افغانستان
 را عبور خواهد نمود که اجازه دهد دولت انگلیس
 را بساختن راه آهن و انتظام قشون افغانستان ...
 اخبار (بانیر) را حقیقه بر این است که اگر این دربار
 در بغداد منعقد شود در جمیع مسلمانان عالم یادگاری
 سلطان از دولت انگلیس خواهد گفارد ...
 بدرجه کمال بر سلاطین و امیرای اسلام خواهد بخشید

سازش

اخبار عبر عالم (مراد آباد) می نویسد که جماعتی
 بر اختلاف والا حضرت نواب رامپور هم عهد و هم
 قسم شده رازشان فاش و طشتشان از بام افتاده چند

مهر از آواز شیان را گرفتار نموده اند - لغوام است که
 پس از تلاش نمودی خانه های سوزین چند خانه طبایفه
 ساخت لندن با فشنگ بشمار و بارود و شمشیر
 و غیره یکنه اند

تهمت بی معنی پلیس

در (کوچین) جنیدی قبل بایس هیجده نفر را
 الزام بدزدی و قطاع الطریق داده گرفتار نمود و در
 آن جماعت دو نفر از راجگان هم شامل بودند عدالت
 (کوچین) پس از تحقیق هیچگونه نبوت جرمی بر آن
 ملزمین نیافت همه را بری القضا قرار داده رهائی بخشید
 افسران بایس را لازم است زیر دستان خود را از این
 گونه تمسها بر مردمان بزرگ باز دارند و بسبب
 بندگان خدا را با بیچ نشده دچار مهالک و زحمت
 نه نمایند

مکتوب شهری

۲۹ رجب ۱۳۲۱

مؤید الاسلام - در نامه مقدس شمه از شرح
 مسافرت نائب السلطنه هند (لاردرگزین) در خلیج فارس
 و انعقاد دوبار در آن نواح ملاحظه شد - اخبارات
 انگلیسی مشروحاً درین خصوص بحث کرده و میکنند -
 بعضی از آنها مانند (بانیر) رأی میدهد که اگر این دربار
 در بغداد منعقد شود بمسائلی چند اولی است - چه
 بغداد دار الخلافه (هارون الرشید) بود - و چون نائب السلطنه
 هند در آنجا دربار نماید اثرش در مسلمانان عالم زیاده بر
 آن است که بتصور آید

ولی یک نکته را هنوز نگارنده مانتفت نشده خوب
 است آن مدیر روشن ضمیر تشریح فرمایند - و آن این
 است - که جراید انگلیسی انعقاد دوبار فرمانفرمای هند
 را در خلیج فارس مینویسند معنی این کلام چیست ؟ دربار
 عبارت است از انعقاد سلام - اطاعت در متصرفات
 مستعمرات و مستعمرات بالاستقلال خود - و گرنه نمیکند
 دولت انگلیس را بالاستقلال مستعمرات و متصرفاتی

در خلیج فارس و شط العرب و بشداد باشد - آن امر دیگر است که باین بهانه سیاسی و بازیهای پلنیک با مال منصرفات مستفله پیدا نماید .

پس از این رو لفظ (دربار) که عبارت از اسمال حکومت و سلطنت است بنیال من برای دولت انگلیس در خلیج فارس غلط است . بعید نیست که جراید انگلیسیه این نکته را تصور کرده که هرگاه دولتی در مرکز، خاص دربار نماید حقوق مالکیت او ثابت میگردد - باین بهانه میخواهند مسافرت فرما فرمای هند را باسم انعقاد دربار که مالکیت را میسراند مشهور و معروف دارند - دولت انگلیس را مستقلاً در خلیج فارس هیچگونه مستمرات و مصنوعات به نظر میرسد - نهایت آن عدم توجه و بیداشی و عملت رجال دولت ایران دولت مشارالها برخی از شیوخ و بعضی از امراء که سر بر اطاعت و اقیاد امر ایران مانند (امام مسقط) و (شیخ بحرین) و غیره پیچیده باقی بقم میرفتند بالا تصدیق رسمی دولت ایران که حقدار اول آن مقامات تسلیم میشود در تحت حجاب خود آورده است - از نیرو نمیتوان تسلیم نمود که فرما فرمای هند را رساه حق انعقاد دربار در خلیج فارس بوده باشد معنی میگویند که دربار در دریای خلیج فارس بالای کشتهای حذکی خواهد شد تا حکومت مطلقه دولت انگلیس در دریای خلیج فارس بر طالبان ظاهر گردد - این قول از صحیح نمیتوان گمت چه درین صورت تا حقوق مالکیت دولین عثمانی و ایران در خلیج فارس که از مسامات اس بر میخورد - گمان من این است که دربار رساه صحت پیدا نماید و مسلم نگردد خلاصه - این نکات در جواب نگارش جراید انگلیسی که انعقاد دربار فرما فرما را گاهی در بغداد و گاهی در مستمرات دیگران ظاهر نموده حواش منباند نگاشتیم و ربه تاکنون رساه این خبر را دیده ایم که اعلان انعقاد دربار فرما فرمای هند را در خلیج فارس دلد باشد - و این نکته از معلوم نیست که دولین عثمانی و ایران

رساه یا غیر رسم انعقاد در بار فرما فرمای هند را در خلیج فارس تسلیم خواهند نمود یا نه ؟ و هنوز این مسئله بیلا ظاهر نفقه که دولین عثمانی و ایران دولت انگلیس رساه از مسافرت فرما فرمای هند در خلیج فارس اطلاع داده و آنان اجابت پذیرای مکرر باشد ؛ خیر ؟ چرا که آنچه مشهور است و تاکنون یوفوع رسیده هرگاه پادشاهی بخواند حق سلطنت خود را در مملکتی ظاهر نماید و یا آنکه مملکتی را تسخیر کرده برای نمودن بر پای و ضمیم بدول دیگر که من سلطان این مملکت هستم و حقوق دولتی من در این ملک ثابت است دربار میباشد اگر در متن واقع بدون مانع و اعتراض دولین ایران و عثمانی فرما فرمای هند در خلیج فارس رساه دربار شاهنشاهی باید - و دولین مشارالها تسلیم کنند - دولت انگلیس بر حبیع عالم خواهد نمود که خلیج فارس از من و اهالی وی رعایای من اند

ولی آنچه ما میدانیم این لفظ دربار درین مقام لفظی است یعنی که اخبارات انگلیسی برای پیشرفت مقاصد پلنیک خود در آتیه و اقتدار خویش در حاله میکارند - چرا که هیچ قاعده انعقاد دربار فرما فرمای هند در خلیج فارس که مستقلاً در تحت سلطنت او نیست خالی از منی و بیرون از حقیقت معلوم میشود - فرضاً ارایان در خواب عفت اند و ازین نکات مهمه آگاهی ندارند رقبای دولت انگلیس مانند روس و غیره هیچگاه رساه باین منی نخواهند داد و یقیناً دولین عثمانی و ایران را مسیح شده انکار از انعقاد دربار رساه ناپ السلطنه خواهند نمود - چون جناب امیرالدوله وزیر امور خارجه ایران شخصی با درایت و سیاست است و مایبندد این در هندوستان دولت دارد - لابد ملتفت این نکات مهمه بهتر از بنده و دیگران میباشد و انشالله مثل سایرین که گفته اند

اگر رفت ایران بمن چه بمن چیر
اگر گشت و بران بمن چه بمن چه
نخواهند فرمود - دربار آنچه باید برود رفته و آنچه باید برود رفته شده است

منه... شنه از شرح پتیک

و خیالات آقا میرزا علی اصغر خان

صدر اعظم معزول ایران

نمره ۵

هان بسختانم گوش دهید و از فنون تدبیر و
تزییر او لحنی آگهی حاصل کنید که چه گونه و چنان
دام مکر گسترد - و مات نش هزار ساله را دو چار
غرقاب فنا و اضمحلال نمود

پس از آنکه با دولت روس عقد اتحاد محکم کرد -
و از هر جهت خاطر و پرا مطمئن ساخت - در صدد
برآمد که چنگال او را با قبضه در این ملک فرو کند -
و از هر طرف راه چاره شان را سد می دید در مقابل
بنیاد نماید - چون یاجوج - و ماجوج از وراء سد سکندر
محبوس دائمی نماید - بلکه نایباً تجدید این عهد کند از
آنرو که امپراطور را نیز لقب (الکساندر) است - و این
کله همان است که معرب شده (اسکندر) گویند - و نیز
ملت ایران را او کم از فرقه یاجوج - و ماجوج نمی شرد
از آنرو که بر بلاد گرجستان تاختند - و بزرگان و
نیاگان او را دست فرسود قتل و غارت کردند -
بر جوانان سر و قدمت ارمانه رحم نکرده خونها ریختند -
و طالبان بغارت بردند - زبان و فرزندان را باسیری
در واحی ایران آوردند - و با آنان چون عید
و امام سلوک کردند و مصداق (ان یاجوج و ماجوج
مفسدون فی الارض) گردیدند - بخمال وی قهار منتقم
او را بر انکیحت که همان بلایا و رزایا و مصائب و
متاعب را بر اولاد و احفاد ایشان وارد آورد - در
ایموقع زبان حالش باین بیت مثنوی گویا بود

ایکه بد کردی برو ایمن مباح

ز آنکه تخم است و رو باند خدش

بناء علی هذم المثنویات - راه صواب را چنان دید که
بطوری مقصود را انجام دهد - که محتاج بسفک دعاء و
سوق لشکر و مخارج فوق العاده و زحمات فوق العاده باشد -

و باسانی و سهوات تیر مراد به نشانه و مقصود
حاصل آید - و اشهد بالله و کافی به شهیدا که هرگاه او یکی
از اهالی ارمانه را در ممبر و طرق و شوارع مشاهده
میکرد - گویا موی بر بدنش راست میشد و چنان چهره اش
متون و آتش عناد در کانون سینه اش مشتعل و
افروخته میکردید که بشرح راست نیاید - و در بیان
نگنجد - مخصوصاً در لیالی و اوقات راحت که
تاریخ تسجیر خاقان ملد آشیان آقا محمد شاه اولین
سلسله قاجاریه ایالت گرجستان و تدبیر آمان - و
امرو و نهب و یغما و تاراج بلده تاپیس که مقر بزرگان او
بود میحواند - آتش غضبش زیاده مشتعل میکردید
و در خیالات و هم بلند خود دور و سق راه
نمیداد

الحاصل - پس از خرابیهای سابقه که بجملی از مفصل
وی گذشت صلاح کار در آن دید که ایران را مقروض
و وام دار دولت روس گرداند - و چنان فصول و
عقودش را متن و محکم نماید - که لامحاله نتیجه آن
انقراس و استیصال باشد و از عهده برآمدن آن امری
محال و غیر ممکن بود - چه هر عاقل میداند که این
خیال بزرگ که مکنون ضمیر او بود یکدفعه از قوه بفعل
نمی تواند آمد - و بدون تمهید و مقدمه صورت خارجی
نپذیرد - سالها تریب و هزارها مقدمات لازم دارد -
دولتی که دخلش کفاف خرج دهد - و هیچگونه
حاجت باستقراض نداشته باشد - چه گونه بقتاً بدین کار
تن در دهد و تمسکین نماید -

پس شروع بمقدمات نمود - اولاً از هر طرف
مواجب و مرسوم و مقرری و وظیفه و انعام
درباره هر می سرویا که هر ار بر نداد - و بپس از یسار
شناسد - بقرار کرد - یکی را باسم نوکری - دیگری را
بنام دعا گوئی - ثالث را بعنوان تصوف و قطبی -
رابع را از راه تعلقف - بعضی را بنام رقاصی - و برخیرا
باسم درویشی این ار خاندان بزرگ است مواجب
خواهد - و آن چاکر دولت است وجه معاش میجوید -

فلان رئیس ملت گندان لازم دارد. - للتعرض چندان از اینگونه بخش های جدا نمود و مهیا و خرج از کینه مهیا کرد. که برنی حاتم عصرش گفتند. و جی برمن بن زانده شیبانی ترضیحش دادند. مردمان احق گول گفتند تا کنون از خلق اولین و آخرین چنین سخاوتی دیده نشد. و از رشید و مأمون این جور و کرم مسموع نیفتاد. و از آل بر امکه حکمرانی باین حد مشاهده نگردیده. غافل از آنکه آنان همه انعام و اکرام دوسیل عمران بلاد. و وفاء عباد. و ترقی علوم. و نشر معارف. و خدمت باسلام و مسلمین. و ارتفاع رأیت دین میکردند. ولی این نالکس دیناری در راه معارف نهاد. بکدر هم مستحق و لایق و قابل نوسانید. چه نعام دانش و فزونی علم منافی مکنون ضمیر او بود. و منحصر بود تظلم و مکرمت و مرحمت و امام او در حق چند گروه که هر کدام صاحب شغلی مخصوص بودند (اول) فرقه مفسدان که بیکدم آشوب برافروزند. و عالی را با آتش فتنه و فساد بسوزند. هر شهر و هر ایالت و هر طایفه حی در تمام قسبات و بلوکات اینگونه مردم داشت. - واجب و مرسوم هزار نفر مستحق را مقطوع نموده آنها را سیر میکرد. و در این شغل او را چندین ملاحظات سیاسی. و نکات پلانیکی و دقایق حل. و حتی ملحوظ و منظور بود (یکی) آنکه باندک اشاره او شهری بل اطاق را مفسوس میکنند. و نظم و ترتیب را برهم زنند. و دکاکین را ببندند و خاق را شورانند. و ملت و دولت را آسوده نگذارند

در این آشوب و فتنه دو نکته بزرگ مدنظر داشت اول آنکه دولت و ملت را آسودگی دست دهد. تا مملکت نکات و دقایق رفتار و کردار او شوند. و همیشه گرفتار بک ستم و طرفی باشند. و دیگر اینکه هیچ حاکم و والی بر خلاف میل و مراد او نتواند حرکت کرد که چون فی الجمله بر طبق مقصودش عمل نمیکردند فوراً اشاره نمود و ایالت را مفسوس. و

ای کفایتی بجزا نماند. و در حضور همین مردم مینمودند. و از درجه حکومت و ریاستش منزول میکرد

در این مقام بجهت اطلاع آیتگان و مطالبه کنندگان يك واقعه گویم. که قطره ناز و نیا خور میدهد. و مشت از خروار. در سینه سینه و میبندد همی که با تاریخ مسیحیان یکپارده و نهصد از میلاد مسیح گذشته بود حکومت دارا الخلافه بدون میل و رضای خاطر او بکافی اطلاع و آگاهی وی نفوذش بهلهای عین الدوله گردید. و اصل الدوله که موافق خیال و دلخواه او حرکت مینمود منزول شد. دید عن فریب است که بعضی اعمالش مکشوف عندالانام و معلوم خواص و عوام گردد. چرا که عین الدوله شاهزاده میباشد بزرگ. خود سر و منکر هرگز بخيال او عمل نمیکند و عمل بان هم بواسطه کفایت و ددایتجوی از اهمیت افتاد. و دانایان فهمیدند همه بازی بود و اصل نداشت. طرحی بر بخت و بازی دیگر بخت. ملا ابراهیم نام کاشانی که سردی ساده لوح بود بچنگ آورد. کسی که هرگز بکتومان ندیده بکدغه سیصد تومان باو بخشید. و وعده و نوبت و اطمینان و خاطر جی از هر جهت و هر بابت باو داد. و ضمناً از وضع ضعف اسلام و مسلمین شکایت کرد. و تبارش چند روزه خویش را مستند باین مسئله نمود. و مقصودش آن بود که شاید فریب خورده برخایهای فرنگیان یا یکی از سفارخانها ریخته قتل و تاراج کند. و حکایت و داستان چین از مشرق الاقصی بمغرب آسیا سرایت نماید. و چندی دولت دولت را گرفتار سازد. و در ضمن کم تحریر و بی کفایتی عین الدوله ثابت شود. او نیز فریب خورده ضعف قلبش مانع شد. مسیحیانرا بدله باسراشیلین نمود. با جی عوام بر خانه و لانه یهودیان ساخت. و در آن محل نیز جرات قتل نمود. ولی باز هم کاری نکرد و آشوب افکند. هر چند عین الدوله بزودی جلوگیری نمود. و دفع ظالمها بکمر صائب حوالت کرد. و مفسوس

تردید نموده. یا از دنیا بقی یا از ملک آبش بپاک بیگانه فرستاد. چنانکه اکنون در تمام مملکت طایفه جال با کفایت و درایت و سیاست که بتوانند متصدی امور جمهور و مصدر کارهای ملی و دولتی گردند - جز محدودی آسم پینام و نشان در گوشه انزوا جزیده - نوسان و هراسان منظر هرگونه بلای گوناگون دست بر دست گذاشته بسته و لب از گفتار فرو بسته اند یافت نمیشود. چرا که این دشمن دین و دولت در مدت ریاست خود نه چنین رسوخی پیدا کرده بود که بشود آید - حق در وجود مسعود اعلی حضرت هایتی چنانچه مجال برای احدی نبود بدون دلتوا و اراده او بحضور مبارک نایک - و زبان بکلمه مدح ضللاً از قدح بکشاید - در قتل و طرد و اخراج هیچیک از اشخاص کاردان حلال زاده دولت خواه گواهی نکرد - قتل وزیر دربار اعظم رحمة الله علیه و طرد شاهزاده فرمانفرما و - - - و - گواهی کافی - و شاهی وافی است - خدایش جزای کردار در کنار نهد - مگر آقای امام جبه تبریز غیر از یک نهی از منکر شرعی کاری دیگر کرد - یا آقای حاجی شیخ نورالله مخالفی باین و دولت نمود - یا جناب آقا سید جمال الدین مرتکب امری خلاف قانون شریعت و آئین دولت گردید - که بیچاره حیات و عیالت معلوم نیست - بر فرض حیات آیا در کدام حبس خانه بکدام رنج و بلا مبتلایش کرد - تمام صدماتی که بر رؤسای روحانی و جسمانی ملت وارد آورده جواب دو کلمه اعتراض ملت بیچاره بود که چرا ما را بدولت روس فروخته و پول خون بهای آنرا صرف زمان فرنگستان و کامرانیه ای نمود کرده است

کاش هرزه کاریهای داخله اکتفا میکرد و اینقدر هرزه کاری در خارجه نمینمود - تا باعث خجالت و شرمساری تمام ملت در مملکت بیگانه گردد - این تنگ و عار را کجا بریم که خانه مان خراب - زمینمان بر باد - ثروتمان تباه - در پیش ملل و دول خارجه شرمند - و سر افکنده - نو سری خورده - از هر گوشه

و کند دشمنان چون حالت بیرون و طالع و لژگون طرا دیده با بیگانه های آهین زهر آلوده روی همو صورت نوعیه ما آورد مانند - در در جانی بیگانه نه پای ستیز داریم و ندراه گریز -

بار پروردگار جبار مقتدا دادگرا داد این ملت بی نوازی مظلوم بیچاره را از این ظالم غصوم بستان - و این کلمه بی شبان و لژ جنک گران چون آشام برهان با این کارهای نامنجار و خیانتها که بدولت و ملت نمود نرسان از این است باقی بوساطت بحایت دولت همسایه که دست نشانده او بود معزز و مکرم مانده کلیم خود را از آب بکشد - و خونهای ناحق ریخته ما بچلرگان همدرد - اموال غارت و غصب دشمنان تلف - گردنهای مان ابدال آباد در قید اسیر و رقیب دشمنان مانده - روز بروز ذلیل تر و بیرون تر شویم - مگر دست غیبی از آستین بیرون و مدارک خرابیهای ما را فرموده - نظمی در کار نهاده - ملک و ملت را آب و تابی نازه بدهد فعلاً راههای چاره از هرجهت بروی ما مسعود است - مگر اینکه حضرات نواب حضرت مقدس بقیة الله ارواحنا لقراب مقدمه الشریفه فداء چنانچه تا حال بوظایف مقدسه خود عمل فرمود شر این بلای مبرم و سایر بلاها را از غلامان و رعایای آنحضرت علیه و آباء الطاهیرین السلام دور فرموده دست ترویج شریعت ضرا را از آستین بیرون و با پادشاه اسلام رؤف مهربان عادل ملت نواز با دیانت همدست و اسباب رستگاری این ممت رعیت بیچاره را فراهم فرماید

اگرچه محققاً این بزرگواران زیاد از همه از همه کس در فکر و دایع حضرت منوب عنه علیه السلام بوده و هستند ولی بضمون صدق مشحون (فذكر ان الالاری تنفع المؤمنین) بحضور مبارکشان هر چه میداریم که محضاًه و تقریباً الی رسول الله چند روزی اوقات کثیر البرکات خود را صرف معاش دنیای بندگان حضرت آفریدگار حلت عظمت که سپرده بآن بزرگوار است فرموده یعنی دنیائی که نتیجه اش آخرت - و معاشی که مقدمه معاد

است و یکی از عئون حضرت مقدس امام علیه السلام
 میباشد. و عمران از آن حفظ ناموس شرع و متفرعین و
 بموافقت حدود و موقوفات اسلام از تصرف و تفتاب اعداء دین
 و نظم امور ممالک متدینین و انتظام احوال مؤمنین است
 بمسئله. آخری مکتوب قانون مطابق بله که
 عین قانون شریعت غربال نبوی را جمع فرموده - غیر
 از کتاب عهدانی را از مکتوب قتیبه بزبان فارسی
 عوام فهم نوشته اختلافات آراء مثل حدود و غیره را
 که مابین علماء اعلام هست از بین برداشته - یعنی پس از
 مکالمه و مباحثه و اثبات یک قول بآن عمل نموده ثبت و
 حضرات علمای اعلام و حجج اسلام مدظلالهم علی رؤس
 الانام چه گذاشته بدولت علیه تسلیم فرمایند و اجرا بشود
 جدا بنخواهند - باید این کتاب قانون مقدس منقسم بابواب
 و فصول باشد و تکالیف هر یک از پادشاه و وزراء
 و امرای و ولات و حکام و سرداران سپاه و لشکر حق
 آفتخدايان قری و محلات و تجار و سایر افراد کسبه و
 رعیترا از هر طبقه عالی یا دانی بزرگ و کوچک سیاه و
 سفید زن و مرد معین فرموده و نیز برای خراج اراضی
 و غیره و حفظ حدود و ثغور مملکت بمقتضیات وقت و
 مشوره با دولت قرار داده درج شود بخوی که دارای
 مقاصد دنیوی و سیاسات مآکی و مآقی کاملاً باشد
 دولت آنرا بطبع رسانیده بتمام وزرا و امرای و اراکین
 دولت و ملک و ولات و حکام داده و در همان قانون
 مقدس جزا و سزای هر کس که از آن مخلف نماید
 معین فرموده تا هر یک از شاه و وزیر و امیر و دبیر
 و والی و حاکم و لشکری و سردار و رعیت حد خود
 را و پایه اقتدار خویش را دانسته بای از حد خود
 بیرون نگذارد - و اگر کسی مخالفت ورزد کلاً من کان
 بسرای قانون برسد و از درجه اعتبار و منصب و
 مأموریت ساقط شود - و مدت العمر با مأموریت و منصب
 داده نشود - و دولت هم مقرر دارد که هیچ منصب و عهده
 و مأموریت و خطاب و لقب بکسی داده نشود مگر
 بحسب خدمت و ایافت - و رعیترا تشویق و اعانت فرمایند

باجداث مکتب و مدارس و کارخانه جت محتاج المیها
 از قبیل پارچه بافی و قند و صابون و کاغذ سازی
 و کشت اشیاء محتاج بها که حال از خارجه بقیتهای گران
 و مخارج گزافی میآوردند مانند جانی و سایر چیزها
 که مبتلا به تمام ملت است
 خلاصه اگر چه یکباده خود را از احتیاج اجانب
 بیرون آوردن نمیتوانیم - لکن (ملا بدرک کله لایترک کله)
 اندک اندک اگر توجه علمای اعلام با دولت ابد مدت
 مصادف شود ممکن است در هر صده سالی چند ملت و
 دولت از ملل و دول خارجه بنیاساز و مستغنی گردند
 سر این نکته بر هیچ کس مخفی نیست مگر کلبه
 بدبختیهای ما از احتیاج جهان بدشمناست یا باید با لباس
 کرباس و قدک و برک که پدران ما میپوشیدند و بدست
 برادران وطنان ساخته و آماده میشود ساخته و قناعت
 نمود - یا چون هوس ماهوت و ملامل وزری و کخواب
 داریم همت نموده اسباب ساختن آنرا فراهم و
 آماده نمایم - که دولت و هزرت خود را فدای هواهای
 نفسانی و هوسهای شیطانی نمایم - اگر از استعمال
 مطعومات و ملبوسات خارجه اجتناب میکردیم باین
 روش سیاه نمیشدیم - نه خود در فکر کار میافتیم و نه
 دست از کاسه ایسی دیگران بر میداریم - سالی چه قدر
 پنجه منی ۳ قران از مالکان خارج و از همان راه دوباره
 داخل ملک مان شده - منی ۴ تومان و بیشتر میخریم
 آنها را غیر از بی غیرتی و عدم حمیت چیز دیگر
 میتوان گفت ؟ اگر رجال کاردان دولت خواه
 ملت دوست اقدام فرموده بودند و حکم محکم حضرات علمای
 اعلام کثرتاً تعالی امثالهم معاضد ایشان میشد چرا باید
 باین روز سیاه بنشینیم - هرگاه سابق بر این عنذر میآوردیم
 که چون دولت با ملت اتفاق ندارد همکاری نخواهد
 ملت انجام دهد دولت برعکس آن اسباب فراهم میآورد
 که ناتمام ماند - یا برعکس حال که الحمد لله راه ترقیات
 و عروج بمعارض برتری یعنی دشمن خانگی که از هزار
 دشمن خارجی بدتر بود از میان رفت و شاهنشاه رؤف

مهربان رحمت پرور مان بهره در اندیشه نطق و صروج
ذوات و مات میباشد - چیزی که باقی است اتفاق دولت
و مات در کارهای ملکی و ماتی - آنهم بسته با اقدام
حضرات مقدسه بندگان دین و رؤسای مؤمنین مد ظلم
میباشد که از بمن اقدام و اهتمام ایشان بازجاده نفاق و
خلاف انحراف نموده بشاهرام اتفاق و انعقاد قدم
گذارند - و شخصیت را در نوع برحق مضمحل
نموده - بضمون

بی آدم اعضای یکدیگرند

متلقاً علم علم و دانش افراخته رفع تقایص را وجه صحت
ساخته سمند ترقی را در حوران و گوی مصابقت را از
هرکشان بر باند - و از نکت احتیاج و ذلت نجات یابند - نیم نام
آما روزی چنان را خواهیم دید - یا این آرزوها را
بخاک خواهیم برد - انزد مان گواه است این قدر پریشان
و افسرده ام که خود نمیدانم چه میبوسم نه تنهاریشای
و افسردگی بمن روی آورده - هر کس احوال وطن و
ایشای وطن را درست ملاحظه باید برایشانیش زیاده از
مخاص خواهد بود - خداوند بخرمت باکان و مقرمان
درگاهش رحمی با بچارگان فرموده رفع پریشانی
و ذلتان را فرماید - و دشمنان دین و آئین را باسفل
الساقین رسانیده تا پیش از این برده از کار ما برنهند
زیاده بر این قلم را یارای تحریر و زانوا قوت تقریر نماید
بعضی مطالب میخواستیم نگارم - چون ملاحظه شد مایه
سرشکستی خودمان است دم فرو بستم والسلام علیکم
و علی آئین من سعی فی ترویج الدین و تشیید شریعه
سید المرسلین و رحمة الله و برکاته

راقم (م - ص - ح)

مکتوب از طهران

(از شماره ۷)

آن پهلوانان دورمد و بهاران ارجند جهان که
دور رسم دستان و قوه پیل هندوستان با قوت دل
و بارویشان هم ترازو نتواند شد کیانند - که در آشکار
و پان برگزیده جهانیاقتند - و درخور وصف و ثنای

طلیلت در هلهله آن صاحبان اطلاق مینماید و بیخه او نشان
غیرت و محبت علیه هستند که در آن مقسم او نظایم
جوانمردی و قوت دل و کمال ثبات اقیم باوایت عربی
دزین و حساسیت عقل دورین با بیدان جاپوزت ملشکر
هوله و مهاجرت قضی فرطین طمناحه مولیرا ملز - جان و
جمله جهان در میگزوند که جوین خیانت بوطن و مات
خویش نکند - و شرف خود ناموس هوله خود از دست
ندهند - و زبان طلشان با سلك بلك وطن این است که

(جان و تم ای خاک فدای تن و جانست)

(یک کف نفروطم همه ملک جهلست)

بلکه اگر يك مرموقص و شکست در حال یا احتیاج
برای ملت و مملکت خویش تصور کنند - آن سرمو - چون
نیستوی بر دل و جانشان کارگر آمده خواب و خورد
بر خود حرام دانند - تا باجماع یا افراد دفع آوا
از خود بنمایند - پهلوان زورمند و دلیر سر بلند چنین
کسی است - و آن است که ملت خود را سر افرازی
میدهد - وطن عزیز را آباد میسازد - ظلمت جهل و
توحش را بر می اندازد - دلهای آهنین را با آتش غیرت
و حمیت خود میگذارد - و چندان در این راه مجاهدت
میکند و میکوشد تا نام خویش را در سر دفتر نیکنامان
و سرفرازان روزگار جلی میدهد - چنانکه اکثر مطالبه
کنندگان البته شنیده اند یکی از آن بهادران نامی که ملت
انگلیس را بکردار سود سرفرازی داد (دزون والتز)
داکتر انگلیسی طیب کبابی هند بود (مقصود کبابی
انگلیسی است که با نام کبابی هند معروف و تا توسط
قرن ماضی یعنی تا قبل از شورش و بلوای هندوستان
زمام حکومت انگلیس در هند دست او بود) که از
دختر ماهروی پادشاه مملکت (ناپال) و از سلطنت مستعقله
بمالال و ثروت و مال دولت (ناپال) یکباره چشم پوشید
که خیانت مملت انگلیس نکند - و برای فواید شخصیته
خویش مایه ضرر وطن و مات و دولت خود نگردد -
و از این روی بعد از مات او مجسمه وی را در شهر
(ایدنبورخ) بیا داشته و بر روی آن این عبارت را

نوعت (آنگلیسی باز فراهی با قیمت تراشت) برساند
 دیگر (احمد مدحه) از ملک نوبت صاحب امتیاز و
 نگارنده جریده (ترجمان حقیقت) بود که در عهد
 مرحوم سلطان عبدالعزیز خان بهجت خطا و قصوری
 که بعضی از جهال صاحب قروض بقلم لئو بستند با امر
 دولت عثمانی در جزیره (واپوس) واقع در دریای
 سفید حبس مؤبد گردیده. و تن باین حبس ابدی و
 بد روزی برمدی در دلدی راضی نشد بشفاقت و
 توسط سفیر فلان دولت اجنبی از این حبس مؤبدگان
 یافته خیرین راحت و تناسلی عیش و زندگی کرده. که
 مبادا بیادش این احسان بر خلاف مصلحت و منفعت
 ملک و دولت خویش (با وجود چنین ظلم و سوء
 سلوکی که از دولت و ملت خود دیده بود) بر وفق
 منظور و حراد آن سفیر مطالب سیاسی بنگردد و مقایر
 مصلح دولت و وطن خود قدمی بردارد. یا قلمی بر
 کاغذ گذارد. بزنگانی در قهر گور و انقطاع ابدی از
 راحت و عیش و سرور راضی شد که رهین منت اجنب
 نگردد. و بجزدوری و مال بیگانگان و بدخواهان وطن
 خویش جان و تن خویش را نپرورد. و آخر آن محبوس
 غیور و جوانمرد زنده در گور در جزیره (رادوس) (رادیوس)
 بشرحی که در اینجا گنجايش ذکر ندارد همت و اقدام
 کرده مؤسس و بانی مدرسه معتبره سلیمانیه که از
 بزرگترین و بهترین مدارس ممالک عثمانی است گردید. و
 این مدرسه در میان عثمانیان مدرسه (عبیرت) معروف
 گشت و عاقبة الامر این مرد وطن پرست در بدو
 جلوس اعلیحضرت همایون سلطان عبدالحمید خان از حبس
 و هائی یافته قدر و قیمت او را فهمیدند

ای هموطنان - آئین حب وطن و غیرت ملیه این
 است - وظیفه دولتخواهی و شاه پرستی چنین - خاصه
 با دولت و سلطنتی که موصوف خیر اندیشی و رعیت
 پروری و رأفت و احسانش را بر طبقات رعیت از
 پیش نمودیم - هر وقت در میان يك دولت و امتی با قصد
 قهر چنین مردان مرد و اشخاص صاحب درد پیدا

نمودند نه با که سیصد و دوست و با که تا صد نفر که
 در دولت دوستی و وطن پرستی و غیرت ملیه علم باشند
 و در سلامت عقل و اندیشه و رای و حسن اقدام
 و اهتمام مسلم و همه یکدل و واحد المم در خدمت
 دولت و ملک و ترقی مملکت خویش دست بهم داده
 غایت اعمال و نهایت خیالشان همین باشد بار چنین دولتی
 بار - و بخت چنین مانی بیدار - و کار و حال چنین
 ملک و مملکتی همه روز رو بترقی و اقبال است. زود
 تایل بذروه شرف شود - و زود ظلمت جهل از آن
 مله بر طرف گردد - همه بیانگ باند منبه از خواب
 غفلت بیدار شوند. و زور سائق مشوق راه کار گیرند.
 حال حکیمت که در هزار یکسانی و شرف طالب
 این سبق و جالب این مرق باشد. و چون دیگر مردان
 روزگار بر ریاضه افتخار علم اشتهار بر افرازد و خود
 را تا اقراض جهان نگویم محبوب ملت خویش سازد
 گمان نرود که در میان يك امت و حوزه يك مملکت
 اگر از نخست بدین عمده معدوده اشخاص وطن پرست
 دولتخواه کار آگاه و مردان صاحب عزم متفق المم
 پیدا نشوند کار آن امت از پیش نمی رود. و باب اقبال و
 اسباب بهبودی حال بر روی آن کشاده و برای آن
 آماده نمیشود - بفعال مایشاء قسم است که میشود و
 خوب هم میشود. هیچ ساعی و جاهدی را او محروم
 نمیدارد - چه خود فرماید (لیس للانسان الا ماسی)
 و هیچ خلق مجتمع و جمع متفق را که همت نکاری
 مشروع نگارند. آبوس نمیگذارند - ارباب دانش داند
 که رای و ساین و قائد و سائق هر قوم باید طاقل و
 عالم و کیس و حازم و زیرک و دانا و درکارها قوی دل
 و توانا باشد اما سوقه و رعیت باید قوی بیه و کارکن
 و مطیع باشند هرگز حال دولت علیها روس با دولت
 جدید التمدن ژاپون غیر از این نیست

مکتوب از یادگوبه

عطف بجا سبق

اگر چه نوشته های ناچین محال شاهها سودی نخواهد

بخشید و کم شدگان وادی ضلالت و غوایت را بر چشمه هدایت نخواهد رسانید (الا من كان له قلب او التي السمع و هو شهيد) و بر عجب اینست که انداز و مخدیر علما و پند و اندرز ایشان سد راه ضلالت شما شده و نمیشود - زیرا که از اول خلقت الی یومنا هذا کافه الناس الا باشد و ندر بر حق مدبر و بسوی باطل مقبل بوده اند - زیرا که حق محض بکاره و باطل محض بشهوات بوده و هست - و البته اسان که از جمله حیوان نوع خاص است مانند سایر حیوانات بالطبع شهوات را طالب و جویب و از بکاره نافر و هارپ بوده و هست - تمام انبیا علیهم السلام و علما رضوان الله علیهم در هر عصر مردم را بسوی حق که محض بکاره است دعوت فرموده اند - و اشخاصی که عبده هوای نفس خیفه بوده اند - از حق نافر و هارپ و اعیان حق را منال و مصل و مفتری و کاذب انگاشته - بعضی را تکذیب و بعضی را مقتول دانستند كما قال الله سبحانه (فكلما جئکم رسول با لاهوی افسکم استکبرتم فتریقاً کذتم و فتریقاً تقتلون) و اشخاصی را که در واقع منال و مصل و مفتری بوده نبیت نموده اند - زیرا که مفتریات ایشان را با هوای نفس خودشان موافق یافته اند - از ادیان مخترعه و مذاهب مبتدعه عبرتی برگیرید - البته آنها را یک ساجل و مخترعی بود - اینک مؤذک که بدو خالق معتقد بود تمام اهالی ایران و غیره تبعیت ویرا کرده - بدین و آئین وی گرویده شدند - و در اندک مدتی جمولات وی عالم گیر شد اگر زعم شما دین مخترع شما از حدود ایران گذشته به امریکا و افریقا رسیده باشد بزعم شما - این روای کاذبه نبیید که سبب غرور شما باشد - زیرا که بدعت یحییان نیز زود اشتهار یافت و زود زایل گردید - و از شما بر خلی ره و زائل خواهد شد - اگر در همین روزها مبتدعی احدی مدعی باشد در اندک زمان جمع آئیر گرویده او خواهند گشت - خائک مبتدعان دیگر گرویده شده و میشوند - آن کلمه حق است که مردم در هر زمان از او متنفر شده اند - اگر در

دین مخترع شما رایحه از حق استهزام میشود چنانچه اول شما از او متنفر میشوند - از احوالات انبیای صلب و از مسکینیت دعوت ایشان اقوام سالک را و از مقالهای ایشان در جواب انبیا عبرتی برگیرید - با آنکه ایشان با تأییدات الهیه مؤید بودند و هر یک صاحب حجج و ائیه و دلائل و براهین کافی نتوانستند مردم را از بت پرستی باز دارند - با آنکه هر نری عقل یا ذی تعمق شاعت و قباحات آن را ادراک مینماید - آیا انبیا علیهم السلام در امر دعوت تکامل ورزیدند - و یا آنکه دلائل و براهین ایشان کافی و وافیه بود - با آنکه حجت عبده اصنام تم و آکل و ابغوا ارجح انبیا بوده تعالی الله عما یقول الظالمون علواً کبیراً چونکه بزعم شما از دلائل متقنه شما یکی نبود اصراست چنانکه در مراسله خودتان بان اقتضای کرده اید - لهذا شما را لازم است که مذهب بت پرستی تصدیق نمائید - و بحقیقت آن قائل شوید - زیرا که از پیش بت پرستی حضرت نوح نبی الله الی یومنا هذا در میان مردم بوده بطوریکه غلبه و نفوذ بالنسبه بادیان حقه بیشتر بوده است - دولت چین که دارای چهار صد و شصت میلیون نفوس است تا کنون همه بت پرستند - الا شرمه قلیله و دولت زاپون و سیام که هر یک دارای چندین کرو و نفوسند عبده اصنامند در اینصورت شما را چه نخریه که معدود چند از او باش و الواط و سفله و جهله که بهیچ گونه از عوالم دین و آئین اطلاع ندارند بدین مخترع و آئین مبتدع شما گرویده شده اند دعاة عیسویه از امریکا در ممالک عثمانیه سودان حبش و سایر بلاد دنیا منتشر شده خلاصی را بدین و آئین دسقی خودشان که بدین حضرت مسیح علیه السلام نامیده اند دعوت مینمایند عجب است که شما در عوان خیال ایشان را بهائی انگاشته اند و لا غیر - و اگر تمام ملک درجه ما شما هم کیش شوند در ارکان عقاید ما اسلامیان تزلزل و فتوری نخواهد شد چرا که حکام دین مبین فرموده اند الکفر مائة واحدة نورمان هر یوربان را جاذبند - ناریان هر یوربان را طابند -

و ما خود می گوئیم که باید دین دستی شما از این بیشتر رواج گیرد. و جمله ناس زیاد تر از این گرویده شوند و بجان و دل آنرا خریدار کردند بملاحظه آنکه اصدی اقوال قول خداوند حکیم است که فرموده و (ان بر الواسیل الرشید لا یخذوه سبیله و ان بر الواسیل البی یخذوه سبیله) فی المثنوی المثنوی

گر بلیدی پیش ما رسوا بود

خوک و تنگ را شکر و حلوا بود

پس خریدار است هر یک را جدا

در مزاد بفداقت می باشد

ابلیس همین درباره اولاد آدم علیه السلام گفت
چگونه اندوی آن گن گفت لا اغویهم اجمعین الا
عباده للضعیفین و در کتاب مبین خداوند حکیم اخبار
میفرماید که آن گن ابلیس با واقع مطابق بوده در جائیکه
میفرماید (و لو قد صدق علیهم ابلیس فانه فاجبوه) در این صورت
نه از دنیا بخواهیم تقصیری بر نه تقصیری - البته در تأثیر
فواصل قابلیت و استعداد قوایل شرط است -

نگوهر باک بیاید که شود قابل فیض

وره هر سنگ و گلی لوله و مرجان نمود

اگر ما نتوانستیم این فقیرا از خارجه فیض اسلام
فائز گرداییم هر اینه این معنی از باب تصور است و به
از جبهه تقصیر بلکه از برای آن است که هر نفس قابل
و مستعد افاضه فیض اسلام نمیشاند - چنانکه شاه اقبال
آن فیض بودید - خودتان را از فیض اسلام محروم
ساختید - و مانند خماس طلای از نور اسلام خارج شدید
و بظلمت بدعت داخل (والذین کمرو اولیائهم الطاهرات
یخرجوهم من النور الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم و بها
حالدون)

حضرت شیخ المرسلین همد و بجهت سال در میان
قوم مکت فرمودند - روروش چهارا و سرارا قوم را
بشریعت حقه اسلام دعوت فرمود - تصدیق آن حضرت
نکرد مگر هشت هر علی رویته صحیحه قاله سبحانه
(فما آمن معه الا قبیل) و یا جهل نرو یا هتاد مؤمن

کافی المثنوی المثنوی

نوح نصد سال دعوت مینمود

دم بدم انکار قومش میفرود

و از فرود یال بغیر حضرت لوط علیه السلام نفسی

مصطفی دعوت خلیل الرحمن علیه صلوات الله الملك المنان

نشد (باقی در د)

نقل از روزنامه شریفه نوروز

مدارس

از شماره دوم

تا یکش از شهای شهر رمضان (۱۳۱۰) در عمارت
در بار از وضع کار سؤال کردند - جواب دادم که هنوز
باقدام نکرده منتظریم که اشخاصی باسم وکلای مدرسه
معین باشند آوقت شروع بمصود کم - من باب بصیحت
وملامت فرمودند که تو صریب در این شهری اشخاص
را نمیشناسی آنها که دعوی اطاعت میکنند اولی علی
خواهند شد . . . من از غایت سادگی عجب کردم که
مکتب مهداری وجه اعانه مانی و دوق دارد - باید
اصالت بماند و بمشامش مکتبی دایر شود که در هر
یک دو سال حمی از ادکیای طلاب را عالم معلوم تمام
و جامع بر دقایق مکتب موده او این اسباب تاثیر
را فراهم آورد چگونه میشود که در چنین بی نیست
شش ضررترقی خواه امین پیدا شود نه طایفه مکتب را
مجتان سپرده عواید آن را در تحت دیانت نگهداری
کنند - شخص محترم سبسالار حالیه حاضر بودید اصرار
فرمودند که بر تشکیل چنین انجمنی رخصت دهید
طوعاً و کرهاً اجره داده فرمودند مرخص کردم اگرچه
مصلحت ندیدم شش ضر را من چنین کردم دو
ضر از اهل علم دو هر از اعیان و رجال دولت دو
هر از معتبرین نجبار تبریر و طهران و هر کس گفتم
تصدیق کردند بعد اقدام بر دعوت و تشکیل شاس
موردیم همی در قدائیان وطن شب و روز در جفن به دید
و همه تن زمان شده شکر مینمودند گفتم که چنین

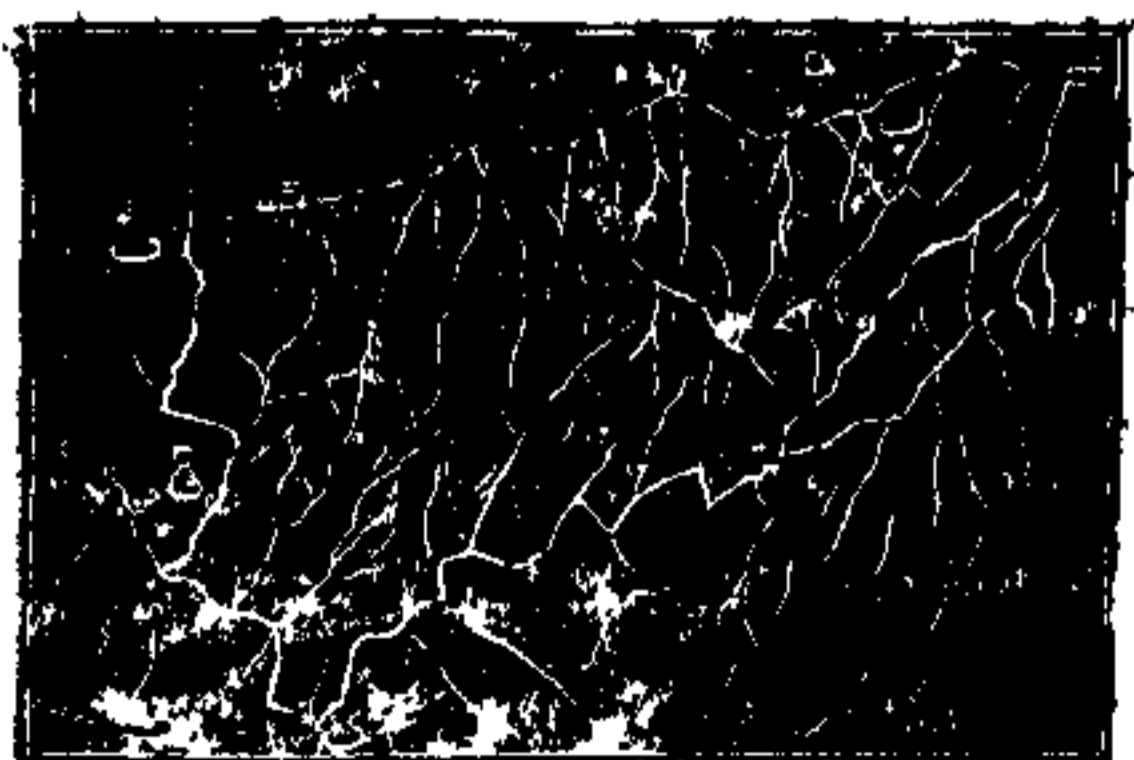
مبارک که نامش بکنی منسوخ و تروک گردیده آنچه اعطا
و حرکت میشود متعظراً از شال ترمه کشمیری باشد
که منسوخ نماند که از امتعه نقیمت و مشوکت
مردمان ایران است

جغرافیای طبیعی

عطف جاسبق

از شماره ۳

آبها چه در سطح زمین و چه در تحت الارض اگر
مانع و طبعی پیش نیاید همیشه میلانش را بجانب نشیب
خواهیم دید - طبقات و حیل تحت الارض بقدری شکاف
و ترک دارند که جریان آبها در زیر زمین هیچگونه
طبعی پیش نیاید - این امر بدرجه ثبوت رسید که بسیار
از آبهایکه بزمین نفوذ میکند تا فاصله بسیده در زیر
زمین سیر مینماید - و بسا میشود میاه تحت الارض
باین تر از درها و عمق دویها جاری میگردد - با
اینکه بدین عمق آب در زیر زمین دوران مینماید تا قوت
بسیار و وجود حدیده در سطح الارض ظاهر شده جلوه
مینماید - برای اینکه این نکته درست مستفاد شود نقشه
ذیل را ملاحظه باید کرد تا بسهولت مطلب بدست آید



(شکل ۸ قطعه زمینی که ترک زیاد دارد و)

(چشمه آب از آن مانند فواره میجوشد)

باید تصور جریان یکقطره آب را نمود که پس از نفوذ

در زمین و سیر فراز و نشیب بسیار در بطن الارض
چگونه دو مرتبه در سطح زمین جلوه میکند و
جاری میشود

فرض کنیم یک قطره آب باران در نقطه (ب)

دعوت را اجازه گرفتهام یکی گفت این دعوت غیر
انجام با احتشام است باید معتم شمرده - آن یکی گفت
محتاج این مجلس منم که کلید دلتا در دست من است -
دیگری گفت خود میدانید که من در انجام اینگونه
مهام ممنعم - خلاصه هرکس خدمات ملتی را بخاروب
زده رقمهای دعوت نوشته شد منجمه بآن شش نفر
که من انتخاب کرده بودم چون خادم من فریبکشان
بود رقمه را بتوسط کاشکان خودشان فرستادند

در روز موعود معلوم شد که آن شش نفر هم
خیالی این حضرات لایق نبوده رقمه های آنها را هیچ
نفرستادند مدعوی حاضر و مقصود غایب - القصه خود
این حضرات جمی را نیز همراه نموده اعتقائی کامله
انجمن معارف شدند مهرها کردند کتابچه ها نوشتند
دو روزی نگذشت که بافتتاح مکاتب متنوعه و متعدده
اقدام کردند و مقرر داشتند که مخارج مکتب رشديه
و دیگر مکاتب را از اصل پول بردارند تا بعد جایش
را بر کنند پس از چند سطر که صلاح
جناب مدیر را در درج آن ندیدیم اگرچه
دیناری از آن پول را قبول نکرده و بمصرف آن
رضا نداده مرا وده با انجمن را قطع کرده از روز
اول تبری کردم - لکن میترسم که در عالم باطن داعی
این فساد من باشم این است که از خدا میخواهم به اشد
شداید مرا مبتلا کند و تلافی و کیمر عمل را بقوی نگذارد
خیل زحم دادم البته عفو خواهید فرمود

(الاقل حسن بن مهدی تبریزی مدیر مکتب رشديه)

اعلان دولتی

نقل از روزنامه مبارکه ایران

از آنجا که بندگان اعلیحضرت قوشوکت اقدس
هایون شاهنشاهی حلاله سلطانه همواره میل و توحی
تمام بترویج امتعه و مسوجات داخله و ترقیه حال و
توفیر ثروت هموم امالی ممالک محروسه دارند -
بر حسب اراده مقدسه منوکانه امر و مقرر گردید که
بعد از این استمال شال ترمه کشمیری در صندوقخانه

آب بواسطه خالص بودن آن میباشد و حال آنکه درین عقیده بصواب نتواند بود - چه از روی اصول علم کیمیاوی (کستری) آب خالص فقط مرکب ازدوجزو پیش نیست یکی مولدالمیوه (آکسیجن) و دیگر مولدالماء (هایدروجن) ولی آبهای چشمه و لو هر قدر شفاف و صاف بنظر آید مخلوط و مشمول اند باجزای بسیار آب خالص را هرگاه در ظرفی نهاده زیر آن را آتش دهند اندک اندک بشکل بخار متصاعد شده از نظر غالب میگردد - و ازین دو جزئیکه مرکب است هیچ چیز باقی نمی ماند - و برعکس آبهای زلال چشمه را چون در دیک بجهوشایم اجزائیکه شامل آب شده غیر از آن دو جز آب خالص عاقبت در نه آن باقی مانده مانند درد محسوس خواهند شد و آن ماده که باقی مانده یقیناً جزء حقیقی آب نبوده است ورنه آن نیز بصورت بخار متصاعد میگردد

در ظروفیکه بسیار در آنها آب میجوشاند مانند ساور و غیره اگر چندی صاف نمانند دیده خواهد شد که لجن مانند بوسی اشیاء اطراف آن را گرفته و مانند اجرای معدنیه سخت بآن پیوسته - مس است که این مواد از خارج در آن ظرف نیامده از همان میاهی که بنظر خالص مینمود اخراج شده است - بدست آوردن آب خالص از روی طبیعت خیلی صعب و دشوار است

آب باران که بنظر از همه آنها حالتر است - می شود نیز خالی از آلاینس باشد - چه پس از آنیکه ابر فشرده شده و آب بحباب ریزین سراریر شود کثافات و غلاظتیکه همیشه شامل هواست شسته بزمن فرود می آورد - اگر باران کثافت هوا را پاک نکند رفته رفته هوای محیط چنان آلوده بکثافات میشود که زیست حیوان و پرورش نبات در آن مشکل میگردد - از این رو آب بارانرا هم خالص نمیتوان تصور کرد - و هر آیرا که زلال و صاف معایبه کنیم نمیتوان خالص و خالی از آلاینس گفت - و چنان تصور مائیم که حرقی از اجزای

غیر ذکر کرد - بر حسب میلایک نمایی نشیب دارد ساری خواهد شد تا برسد به نقطه (ی) که در آنجا منافذ بسته و نفوذش غیر ممکن است - چون بقطره مفروضه در نقطه ایستادی در بر قطرات آب از همان بلبه و راههای دیگر باو متصل شده بروی هم سوار خواهند شد - تا وقتیکه نقطه (ی) پر آب نشود و مسایل آن قطرات بر او متصل آیند - چون راه مفر از برای او نباشد بصوب تقابلت و گریابی قطرات روی هم سوار شده بحجاب (ع) حصار زمین منفذ و شکافدار است مانند خواهد گشت - و هر قدر آب بطرف (ی) ارتفاع یابد سبکی جانب (ع) را نیز مرفوع تر خواهد نمود مطابق اصول حکمت طبیعی - تا رفته رفته از نقطه (ف) سر بیرون آورده مانند فواره جستن نماید و بلندی جستن آب چشمه به میزان ارتفاع بین نقاط (ب و ف) خواهد بود

پس هرگاه چشمه را جاری بینیم باید پی به جریان آبهای زیر زمین برسیم - اینگونه چشمهها را چشمه طبیعی می نامند - دوران و جریان آب در تحت الارض از حفر قنوات و کندن چاه نیز بر ما ظاهر میگردد - اگر چنین نبود کندن چاه و پرکه و تالاب ما را مفید واقع نمیکردید - کسانیکه زمین را برای حفر معادن یا بنای عمارات میکنند از سیلان آب تحت الارض بجهانب بسیار و عین دوچار مشکلات میگردد - چنانچه کار کردن در معادن قدیمه هیروزه نیشابور بواسطه هجوم میاه دشوار و متعسر شده است - (و چون ما ایرانیان آلات مخصوصه برای خروج آب چاههای معدنی نداریم و در صد ترقی ثروت خود ازین عمرهای نافعه نیستیم ترك آن چاهها را گفته بزحمت زیاد مشغول بکندن چاه جدید می شویم و حال آنکه فیروزهای قیمتی در همان طبقه ایست که میاه او را احاطه کرده اند)

▶ اثرات آب در زیر زمین ◀

آب چشمه ظاهرا از بام آنها زلاتر و شفافتر بنظر می آید - برخی را گمان این است که شفاف و زلالی

خارجی در آن شامل نیست - مثلاً آب باران چون زمین فرو ریزد و در صورت زمین نفوذ میکند و در تحت الارض جاری گردد - پس از آنکه در مرتبه چشمه وار بروی زمین جاری شود لابد اجزای خارجی در او بسیار شامل خواهد بود - و آن اجزای غالباً از سنگ و معدنیات است که آب منقوذه از حوف آن گذشته و این اجزا را تحلیل برده جذب نموده است

این اجزاء ماده معدنیه که در آب شامل میشود بطور درمی آید - چنانچه هرگاه نمک شفاف و یا شکر و نباتی را در آب صافی ریزیم پس از حل آن ابتدا از صورت آب آن اجزاء مشموله ظاهر نخواهد شد - چرا که بقسمی در آن محلول میشود که تمیزش جز بدقت باه تجزیه دشوار است -

آب باران که در تحت الارض نفوذ کرده جاری شود حزن از اجزاء ارضیه و حشرات معدنیه را محلول نموده در خود مزوج میدارد - ولی چنانچه شکر و نمک در منتهای سهولت مزوج با آب میشوند اجزای ارضیه و حشرات معدنیه باین سهولت و آسانی محلول نمیکردند

در بیانات سابقه ذکر نمودیم که جزء اعظم هوا گاز فحم الحوضه (کار بونیک اسد گاز) میباشد و این ماده از حیوانات و نباتات مطهور رسیده هوا جذب مینماید - همینکه باران بجانب زمین سر آید چون از هوای محیط میگردد قدری از آن مواد هوایی را با خود جذب مینماید و اشیائیکه در هوا موجودند مثل کار (فحم الحوضه) که مانند درات حاک و دده و بخارات مصره و غیره است با خود شامل میگردد - این است حکما پس از تحقیق بیان کرده اند که باران کثافت هوا را پاک میکند -

کسانی که در شهرهای معموره سکونت پذیرند هرگاه قدری از آب باران را گرفته در آب کینه شفاف جوش دهند بعد از آنکه آب خالص بصورت بخار تصاعد

نموده در آن آب کینه اجزای بیکی خواهد ماند که هرگاه با ذره بین ملاحظه کنیم معلوم خواهد شد که در آن شامل است از ذره های خالصه و ذرات شفاف و سایر اشیاء معدنیه که در هوا متصاعد بوده است

آب باران که فقط کثافت هوا را کتب میکند بلکه چون در زمین رسد بسیاری از اجزاء خارجی را نیز جذب مینماید - اگر معق خاک را گرفته بدقت ملاحظه نمایم مرتی خواهد دید که ریشه و برگهای درخت بصورت پوسیدگی و حالتیکه دست از هم برداشته در آن موجود است که همان اجزاء مولد لحم و سایر حوضات میباشد - هرگاه مشت خاک را در لوله آهنین ریخته در آتش سوزانیم حزاء نباتیه که در آن موجود است سوخته و مواد (فحم الحوضه) از آن منفک شده رنگ آن تغییر پیدا خواهد کرد - و چون خاکستر نمودار خواهد گردید

پس آب باران علاوه بر (فحم الحوضه) که از هوا کسب مینماید از حوضات ارضیه نیز جذب میکند - از اینرو تا درجه تیراب در آب باران پیدا شده که اثر آن نسبت با آب حالمین زمین و حشرات معدنیه که از میان آن جاری میگردد بیش است و بواسطه آن تمیزیت تحلیل اجزاء و اجزاء معدنیه را نموده شامل خویش میگردد

آبیکه مزوج باشد از حوضات مذکور چون معدنیات سحت و حجریات خاره نیز رسد اجزاء آنرا تا اندازه متلاشی مسکرده قدری را شامل خود مینماید مثلاً اگر آب زمین سنگ آهک نفوذ کند اجزای آنرا تحلیل برده با خود مزوج میگردد و حال آنکه آب شفاف و زلال منظر خواهد رسد - در اراضی که سنگ آهک بسیار است غارهای بسیار عظیم از اثر نفوذ و جریان آب در آن نمودار است - و بسا دیده شده که بدون هیچ اسباب ظاهری گودالهای عظیم در این گونه اراضی نمودار میگردد - علتش همان است که ذکر

ایران دور ساخت - کسانیکه مراسله وقایع نگار ما را در مسقط وسط مشرق دیده و خوانده اند افسان صدر اعظم از اقدار مایه حیرت و تعجبشان نخواهد گردید -

وقایع نگار ما سال گذشته از طهران این نکته را نگاشته بود که حکمت عجمی صدر اعظم ایران قسمی است که مورث قدرت تامه ایرانیان گردیده - و همان ایام نگاشته آمد که این حیرت‌های پیوسته که صدر اعظم شاهرا با آن دار نموده عجب مسئول تامه خواهد گشت و نیز باید جواب دهد که چرا يك مملکت صغیر را از سر تا پا غرقه قرص کرده - از همان زمان مردمان با خبرت و بصیرت از حرکات صدر اعظم نفرت حسنه تا همه این مراتب بادشاه صاف درون ایران اعتماد تام بر اقوال و افعال او داشت - و دلگرمی صدر اعظم از حمایت روس در حق او بود

از آن بعد در ایران بی در پی واقعاتی رخ نموده که طبعاً مورث روار و باعث افتادن صدر اعظم گشت - و میتوان گفت تا اندازه درین اواخر دل روس را نیز از خود سرد نمود - باوجود لیاقت و اطلاعات دیرینه ابداً خدماتیکه صدر اعظم يك مملکت راست بجای نیاورد - خصوصاً حقیقتاً تعمیر خزانه که اعظم وظایف صدر اعظم می باشد از دست داد - از زمانی که پای بدین مسند نهاد شیرازه انتظام سلطنت ایران رفته رفته از هم یابید

شورشهای جدید ایران ظاهراً نتیجه تعرفه جدید گمرک بود - که بخواهش دولت روس صدر اعظم معزول اجری نمود که تجارت روسیان ترقی یابد - ولی ازین قافل بود که تجارت صادرات ایران را بر باد داده - و حال آنکه تجارت صادرات را ایرانیان در اشد ضرورت محتاجند - و این بولی که از گمرک جدید گرفته می شود از کیسه رباعیای بیچاره ایران بیرون می آید - و اگر ملاحظه از صادرات مملکت شده بود و جبهه خارجه داخل ایران میگردید - و بر تقول حاکم و ملت و دولت می افزود - و نروشان کتر خارج میشد

مخوف - آب چشمه های این گونه اراضی بسیار سنگین و ثقیل است - باینجه که اجزای معدنیه زیادتر شامل آن میباشد - آب باران و چشمه هایکه اجزای ه دنیه کتر شامل شان است از آبهای اینگونه چشمه ها جبکتر است (باقی دارد)

ترجمه از روزنامه طمس

مورخه ۱۸ ستمبر سنه ۱۹۰۳

روزنامه (طمس) لندن صبح از غایت اشپار مستفی از تعریف و در عالم جرائد اولین روزنامه پشاز است در مقاله مخصوص خود چنین مینویسد اخبارائیکه درباره ایران بدو آ رسیده بود نوشتیم - از آن بعد دو امر اهم در ایران واقع شده - یکی مسموم شدن حکیم الملک - و دیگر استعفاى صدر اعظم که رسوخیت تامه در شخص پادشاه و مملکت ایران داشت - تا وقتیکه ظاهر نشود کدام شخص بجای صدر اعظم مقرر شده حقیقت امر و سبب عزل یا استعفاى او را از روی حقیقت بیان کردن خالی از اشکال نیست - این نکته نیز هنوز معلوم نشده که صدر اعظم بخودی خود استعفا داد - یا مجبوراستعفايش و پلتیک نمودند - و یا اینکه از روی مصیحت چندى تبید شده تا خودگی شورشهای پنهان بشود - چه قبل ازین نیز در ابتدای جلوس این پادشاه زوال اقبال برای او نمودار شد

ولی در این اوان اقدار در ملک و ملت و دولت ایران زاید بر آن زمانه پیدا کرده بود - و نسبت بحضه (۱۸۲۷) قدرتش فزونی داشت - آ زمان چون از اسب اقدار اقتصاد جان و مالش در معرض تلف و خطر بود - از خوف جان ملتجی بحفارت انگلیس شد بختانجه سفیر انگلیس (سرماتیر دیورند) که در طهران بود داکتر سفارت خود را همراه او نمود که ویرا بحفاظت نام نام برساند - در ازای این خدمت چون تالیف مسند صادرات ایران نشست اول اقدام در کوششی که نمود (بهر بار نیم دیورند) را از دربار

استغای صدر اعظم با فوت حکیم الملک چه نسبت داشته باشد فعلاً رأی نمیتوان داد - حکیم الملک مظلوم علم طبابت را از دو کتر (تولوزان) دو کتر مخصوص شاه مرحوم آموخته بود - از آن پس در ایام توقف شاه حایه در تبریز حکیم باشی ایشان بود - بعد از رحلت مرحوم ناصرالدین شاه حکیم الملک در رکاب پادشاه حایه بطهران آمد - و دبری نگذشت که وزیر دربار گردید - این عهده درجه از صدراعظمی ایران باین تراست - هر چند حکیم الملک بانهایت هوشیاری و درایت حرکت کرده راه میرفت - معذک محمود صدر اعظم واقع شده هیچ چیز نتوانست او را راضی نماید - صدر اعظم رقیب را در پهلو گذاردن مناسب ندیده کوشش زیاد کرد تا از دربار تبعیدش نمود - حکیم الملک چند ماه بود در رشت کارهای متعلقه بحکومت را تأرامی و دیانت اداره مینمود - در دربار سلاطین مشرق بسیاری از مردمانند که چون موقع بدستشان آمد مرتکب همه گونه فساد میشوند - بر عکس حکیم الملک با اینکه باین مرتبه رسید با منتهای دیانت و کمال درایت حرکت نمود -

حکیم الملک در عنوان جوانی و شباب بود - بانوکر خاص و معتمد خود بقاصله چند ساعت رحلت نمودند - با اینکه هیچ آثار مرص و شکایت از آنها شنیده نمیشد - ممکن است که فوت ایشان طبیعی هم باشد - یقین داریم که پس از چندی بطریق نیم رسمی حقیقت امر ظاهر خواهد شد - تمام رجال ایران از رحلت حکیم الملک و نوکرس بشبه افتاده اند - و یقین ما هرگز آشف این مطلب را براسی نتواند نمود -

بر واضح است رحلت این آقا و نوکر دفعتاً مورث شک و اسباب شبهه واقع میگردد - غالب را عقیده بر این است که رحلت آنان بمناسبت رقابت در معاملات سیاسی واقع شده - و این نکته بواسطه آن است که سیاستون ایران نوعی اقدام می کنند که کار بدیدرجهها نکشد - زبان زد عام و خاص است که او را کشته اند

اگر امور سیاسی ایران بخرابی می انجامید و مراتب بانها نمیرسید - این گونه اقدامات میشد

و اسماً از ایران کتر بانگلستان خبر میرسد - ولی چند ماه است که اخبارات متواتره بذریعه جرائد روسیه و آلمان میرسد - که انتظامات داخله ایران زایدالوصف ناقص و خراب است - اگر چه ممکن است بعضی از آن خبرها خالی از اضراق نباشد - ولی مسلم است از هر کجا دود برخیزد آتشی زیر آن تصور خواهد شد -

سبب عزل صدراعظم و کشته شدن حکیم الملک هر چه باشد طاراً کاری بدان نیست - همین قدر فرد ما بدرجه یقین رسیده که اهالی ایران قاطبه از دولت راضی و خوشنود نمیشدند - قتل و گرفتاری بابهارا که ما چندی قبل انتشار دادیم سبب آن بود که صدر اعظم میخواست خرابیهای خود را در زیر این غائله ها پوده پوشد - و خیال علما را از خویش منحرف نماید - تا اینکه حقیقت کارهای او بی نرند - ولی این مرتبه اهالی ایران گول و پرا نخوردند - شکایت اهالی از صدر اعظم قعیر نمودن مملکت میباشد ولی صدر اعظم این فقر ملت و خرابی خزینه را به بی اعتدالیهای شاه در مصارف های بیجا نسبت میدهد قرضیه که دولت گرفته و تعرفه های گزینگی که در بی برای ادای این قرض بر رعایا تحمیل شده باعث اشمزاز قلوب ملت گردیده - همه یک زبان میگویند که دولت ملت را بدست کافر فروخته است - هر چند اهالی ایران بی باین نکات که چه خرابیها برای ایشان آماده شده نمیرند - ولی اینقدر را فهمیده اند که دولت قرض زیادی از خارجه گرفته بعوض اینکه در ترقیات ملک و ملت صرف نماید خرج عیش و عشرت نموده است - و این نمکته نیز بر مردم ظاهر گردید - که باقسام مخائف و مجبرو تغلب که گزیر از مردم میگیرند - برای آن است که ادای قرض دولت را بنمایند - ازین جهت است که میگویند دولت ملت

را با جانب فروخته و تا درجه نیز نمیتوان گفت دروغ گفته اند -

این نیز ممکن است که پادشاه برای اینکه مردم را ساکت کند و ازین خیالات دور دارد تدبیری بسته از روی پلتیک جدائی صدر اعظم را گوارا نموده باشد -

تلاکرافات

(۲۵ رجب - ۱۷ اکتوبر)

§ دولتین روس و ژاپون ذغال سنگ زیادی از کبانی (ویلز) خریده که در هرصه دو ماه مال روس را در بندر (آرتھر) و (ولادستک) و مال ژاپون را در (تاگاسکی) و (یکوهاما) تحویل دهد

§ اخبار (نیویارک ورلد) می نویسد که دولت روسی منظور نموده است که چهل و نه فروند کشتیهای جنگی خود را در دریای چین در مقامات مناسبه نگاهدارد تا اگر جنگی بین دولتین ژاپون و روس واقع گردد نگرانی نباشد

§ مخبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که دولت روس تمام عملیات ژاپون را از عسکرها بیرون نموده و در اخراج ژاپونیهها در نواح منچوریا سعی است در شهر (توکیو) این خبرها ابداء مورث شورش و انقلاب اهالی نشد است

(۲۶ رجب - ۱۷ اکتوبر)

§ بموجب خبریکه از (پترسبرگ) تلاکرافت رسیده مجلس خاصی از وزرا بریاست شخص امپراطور منعقد خواهد شد که در معاملات اقصای شرق مشوره نمایند - در این مجلس وزیر داخله - وزیر خارجه - وزیر مالیه - وزیر جنگ - وزیر بحریه - و فرمانفرمای مستعمرات شرقی روس (الکس اف) و بعضی رجال دیگر که از طرف شخص امپراطور نامزد شده حاضر خواهند بود در معاملات تجارتی اقصای شرقی بحث نموده نتیجه درستی ازین مجلس بیرون خواهند آورد - تمام اصلاحات بصره (الکس اف) رسیده هیچ امری بدون مشوره با

او تصفیه نتواند شد

§ بموجب تلاکرافتیکه از بندر (آرتھر) به (پترسبرگ) رسیده اهالی شهر (بدون) که در دریای (سنگاری) واقع است برساکتین (جنجوس) حمله نموده فوجی از قزاق روانه شده تا مقام مزبور را متصرف گردند

§ امارت بلخار رضا داده که پنجهزار قشون خود را از سرحد برداشته - مشروط بر اینکه دولت عثمانی نیز بدین طریق عمل نماید (یعنی تخفیف قشون در سرحد دهد) § در اسلامبول رسماً اعلان یافته که حکومت مقدونیا را از جانب دولت عثمانی محکم شده که در تعمیر عمارات مهاجرین مقدونیا همراهی و اطانت نماید و کیسیون مخصوصی برای نگرانی این امر تعیین خواهد شد با بعلی منظور نموده است که پنجاه هزار لیرای عثمانی در این راه صرف نماید

(۲۷ رجب - ۱۹ اکتوبر)

§ امپراطور روس رفتن به روم پای تخت ایتالیا را موقوف نمود چه افسران پلیس این سفر را برای ایشان خطرناک خبر داده بودند درین باب پادشاه ایتالیا به سفیر روس اظهار تأسف نموده - گویا سبب دیگر رفتن امپراطور روس در ایتالیا این بود که سفیر روس از ایتالیا و سفیر ایتالیا از روس طلب شده بودند

§ امارت بلخار رضا داده است که ده هزار قشون خود را از سرحد عودت دهد و دولت عثمانی بیست هزار قشون خود را از سرحد باز پس طلبد

(۲۸ رجب - ۲۰ اکتوبر)

§ مخبر (روتز) از (پکن) خبر میدهد که علامت جنگ دولتین روس و ژاپون انقلاب عظیمی در (پکن) انداخته است

§ جمعی را عقیده این است که دولت روس از پیش قدمی در معاملات (کوریآ) باز خواهد آمد - اگرچه از هر طرف به آمادگی کشتیهای جنگی و تدارکات عسکری حکم داده و میدهد ولی حکمت عملی آن تاوقت

امیرالبحر (الکساف) در آرادى تجارت دو بندر منچوریا اینقدر شور ربا نه نمود که این مراسم را بحیره روس بین انقلاب انداخت - چه ازین روش دولت روس چنان استنباط می شود که کلیه اختصاصات منچوریا را از حقوق مسلم خود می شمارد

وقایع نگار اخیر (استندرد) از (تینت سن) می نویسد که در سده بیست و یکم امریکا انگلیس روس در (بیوجوانک) مذاکره قیام برای موسم سرما می بیند گویا در تهیه حرکت نه تنها تالشک سرد سیراند - ولی دوات ژاپون از (توکیو) امیرالبحر خود را ازین گونه تهیه و تدارک مع نموده است (۲ شعبان - ۲۳ اکتوبر)

درین چند هفته اخیره بسیاری از کشتیهای موشک (بار پیدو) و حمل از طریق (انگلش جائل) و (بالک) دوات روس بجانب بندر (آرتھر) فرستاده دیروز نیز چهار کشتیهای موشک از (برست) بطرف بندر (آرتھر) روانه داشت و دو کشتی موشک هم در دریای (مدیترانه) فرستاده است

سفرای دواتین روس و آستریا به بابصالی تاکید درباره اجرای مجوراتی که در چهارم و پنجم شهر حال پیش شده نموده اند

دوات روس راه آهن از (ایروان) تا (جلفا) که شرح ایران است آغاز به تعمیر نمود

اعضای انجمن مفسدین بلقان اهالی مقدونیا را بقبول مذهب (کاتولیکی) تحریک مینمایند - عقیده آنان این است که قبول مذهب (کاتولیکی) رفع ظلم واجحاف از آنان خواهد نمود - عما قریب جماعتی از اهالی مقدونیا مذهب (کاتولیکی) را اختیار خواهند نمود

رپورت سرحدبندی (السکا) بین امریکا و کنیدا دیروز در دارالشورای ملی انگلستان پیش شد از آن ظاهر می شود که اهالی (کنیدا) با شرایط آن مخالف و میگویند مقاوله نامه تصدیق شده ولی شرایط آن تصفیه نیافته است

دولت ژاپون تمام مأمورین راه آهن و کپانیهای جهازات را متنبه نموده که تدارک خود را دیده آماده و مسعد باشند که موقت حکم بحرکت صادر شود تا نامه در کار نداشته باشند

به تسلیم حقوق ژاپون اقتضا خواهد نمود یعنی اقدام در جنگ با ژاپون نخواهد کرد

حرکات جنگی دولتین ژاپون و روس لفق سیاست اقصای شرق را دو باره ممتد ساخته دولتین معارالیهما مقدار هنگفتی سرب و ذغال سنگ خریداری نموده اند - کپاندان لشکر بحری ژاپون و امیرالبحر آن (ادمیرل توگو) مقرر شده است (۲۹ رجب - ۲۱ اکتوبر)

با اینکه اغتشاشات مقدونیا تا درجه مرتفع گردیده مع ذلک ناب عالی حکم داده است که سی وهفت فوج برای سلونیکا - مناستر - و قسوده - و دست و سه فوج از راه (اتاولی) وغیره مشون نازه طلب شود و از شام نیز دو فوج بتازگی در سلونیکا رسیده است

مخبر (روبر) از (توکیو) خبر میدهد که دوات روس قوه جنگی خود را در سرحد (گویا) ساعت ساعت زیاد مینماید اخبارات انگلیسی ازین تدابیر دوات روس چنان استنباط نموده اند که دولت معارالیهما را اندایه ای بمواعید نفویش مد نظر نیست ازین رو دولت ژاپون تصور است که در حفظ حقوق خود اقدامات مجداه بعمل آرد (واشکن) شهرت دارد که سیر امریکاز وزارت خارجه روس سوال نموده که چرا نباید دوات روس مطابق عهدنامه چین و امریکا بسادر (مکدن - واندک) را برای تجارت عمومی دول آراد تسلیم نماید؟ و امیرالبحر (الکساف) چرا باید در خصوص آرادى این دو بندر عنبر بیاورد؟ (غره شعبان - ۲۲ اکتوبر)

مخبر (روبر) از (توکیو) خبر میدهد که سیر دولت روس مراسم رسمی به (برس جنگ) پیش کرده که مذاکرات ژاپون دولت روس را مجبور نموده است که جمیع مسائل در معده را تصفیه نموده - کارها را بتکلیف نماید - لذا دولت چین را متنبه می نماید که هرگاه نظرفداری از ژاپون حکم دولت روس از او بار برس خواهد نمود - این مراسم روس شور عطیسی بر سر اهالی (توکیو) آورده دولت ژاپون برای اسکا اهالی از جاده اعتدال بیرون نروند تدابیر لازم را بکار برده و می برد

مخبر (روبر) از (پیکن) خبر میدهد که مخالفت

• قیمت اشتراك • (سالانه - - شش ماهه)	• روثنامه مقس •	• حبل المتين كتابه • (مديكل كالج استرنت تبره)
• هند - و برمه • (۱۲ روپه - - ۷ روپه)		• كليه امور اداره •
• ايران - افغانستان • (۵۰ قران - ۳۰ قران)		• مدير كل مؤيد اسلاميت • (• منتظم اداره •)
• عمان - و مصر • (۵ مجيدي - - ۳ مجيدي)		• آقا محمد جواد شيرازي است • (• هزدوشبه طبع •)
• اروپا - و چين • (۳۰ فرنك - ۱۷ فرنك)	• ۱۳۱۱ •	• سه شنبه توزيع ميشود • (• تاريخ دوشنبه •)
• روس و تركستان • (۱۰ منات - - ۶ منات)		• مصادف • (۲ نومبر (۱۹۰۳) ميلادي) (خریداران بايد قيمت اخبار را با حقی تسليم نمایند) (۱۰ منات - - ۶ منات)

عَلَمَيْن

در این حربه از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و ملغ دواق و فوائد واق بحث ميشود
• مراسلات تام المنغه مقبول و در انتشارش اداره آزادست •

فهرست مندرجات

- ورود جناب حاجي معين الملك به بندر انزلی •
- ورود و خروج امين السلطان در انزلی • ورود
- امين السلطان به قفقاز و حرکت او بجناب پترسبرگ •
- تلگرافات • مکتوب از طهران • ايضاً • مکتوب
- یکی از دانشمند غيور • مکتوبهای جنگی دولت
- انگليس در مسافرت فرمانفرمای هند و خليج فارس •
- مکتوب از مصر • حکايت • تبچه • افغانستان •
- اخبارات داخله • بقیه مکتوب بادکوبه • اعلان شرکت
- عمومی ايران • مکتوب از عراق حرب • ازاله شبهه •
- ايضاً • مکتوب از تبريز • شمه از شرح بليک و
- خیالات آقا ميرزا علی اصغر خان • ورود •

ورود جناب حاجي معين الملك

به بندر انزلی

پس از غزل ميرزا علی اصغر خان اعليحضرت
قدس هاپوتی علاوه بر مختارات تلگرافی مأمور محترم
تخصیصی از طهران به (نرخان شوره) گسيل
فرمودم که شاهزاده خانم نخرالسلطنه و جناب حاجي
معين الملك را بطهران آورند و نیز حاجي معين الملك را
اعليحضرت شاهانه مأمور فرمودند که در ويانه رفت

جنابمستطاب حاجي امين الدوله را بزرگجناب طهران
حرکت دهند - تلگرافاً نیز اعليحضرت هاپوتی جناب
حاجي امين الدوله را طلب فرمودند

سبزوهم رجب جناب حاجي معين الملك با حرم
جلالت و منتهای احترام وشکوه درجهاز (غزل آقاج)
وارد انزلی شده در عمارت دواق منزل و پس از
اقامة سه رور بجناب (لش نشاء) حرکت که از آنجا
رهسپار طهران کردند - در حينیکه کشتی (غزل آقاج)
وارد به بندر انزلی می شد کپتان بيرقهای رنگا رنگ
که علامت مسرت و احترام است بر افراشته از طرف
شاهزاده خانم نخرالسلطنه و حاجي معين الملك خلعت
و القام به کپتان و همجناب کشتی مرحمت گردید

جناب حاجي امين الدوله را جون کاملاً رفع قاهت
نشده از ويانه مساوت و در (نرخان شوره) توقف
فرموده تا کليه رفع قاهتشان شده بجناب ايران حرکت
فرمایند - چون اعليحضرت هاپوتی خيل مصر و عمه
در حرکت ایشان دارند ببيد نیست که پس از چندوم
ديگر رويق افروز ايران گردند

ورود و خروج امین السلطان

در انزلی

جهانم شهر رحب المرجب (۱۳۲۱) امین السلطان
ان طهران بارلی وارد و نا حجاز (لکر اس)
تادم نادکوه گردید - سه یسر و چهار کوه
همراه داشت - در مفتیای عمده حرکت کرد
خرائن جهان مستعاد میشود که محاب
بترسک میرود - تا شاید به بیرز نا نامی کام ایران
تمام نماید - علت عمده امین السلطان
یکی آن که محکوم و نجات یافته انزلی آمده و ناوقتی
سواد حاکم باشد به چرد سربار و قراق لکران او
بود - دیگر آنکه چون علما او را تکمیر نموده اند
می رسید که کار رنگ دیگر کس نماید

ورود امین السلطان به قفقاز

و حرکت او بجناب پترسبرک

امین السلطان وارد نادکوه گردید و از طرف
کارگزاران روس با درجه اورا محترم داشتند - محاب
محاب پترسبرک حرکت زده با پای روس ولینعت
حود امپراطور روس نائل گردد - الحاق روسها حق
حکومت را ادا نماید - اهوا امین
السلطان برای دو امر طامعاً و یک امر باطنی
پترسبرک رعایت - اول آنکه قسمی راه مانی نماید برجال
روس در وساطت خویش که شاید دولت علیه ایران
محور شود دو مرتبه اورا مدین مسدود کرد - دوم
تدارک قریب سوم رای ایران که منع سیار معنای است
که اگر دولت روسی کار آمد نگردد - محرم مخفیانه او آن
است که در انقراض دولت لیوان منتهی فرصت بیافت
طایفه خوارزمی را برود - و مهابیح را بر خود را
بدست آورد - و صیاً هم حق خدمات خویش
را هرگاه چیزی باقی مانده وصول نماید - و دیگر آنکه
علما به باید مانع همراهی با بلتیک روس را

تکرافات

(۲ شعبان - ۲۴ اکتوبر)

وقایع نگار طمس از (سوئیل) باجعت (کوری)
مدوسد که ی دواش اسکا و وزابون در خصوص

ازادی (یانکو نیفو) که در تهران روی است
امین السلطان تا کید نموده اند - وزیر خارجه
ما سفرای دولین مشالوایا اتفاق کرده - ولی پادشاه
وزیرا بیطرفی اختیار و در هیچ باب زانی از خود
نموده - سره با گامن شخاصه خویش مشغول
نموده است - رسیدن کشتیهای روسی از ایران
ادش (کوری) سطرین است
عبر (وزر) از کوهها خیر میدهد که در برای
تاریخ است کمال کیکری شوری منقذ داشته
نتیجه این شوری طاهرا این شد که امپراطور ژاپونرا
تخیم انحصار اصلاح حال چینان و اهالی (کوری)
علاوه بر سایر طریق صالح بستند مجبور دارد - ولی
مصر و تخمیناً روس از مسجوریا نگرند

مجلس حکم کرده و از این (ملکوکوس)
اینکه با و در خارج تجایه نموده نموده
محمودیه اصلاحات دولین روس و آستریا در صوبه
مقدونیا ظاهر میزند که حتی با سایر طایفه های آن صوبه
خواهد بود - و در مشیرینی از روس و دیگری
از مشیریا برای مشوره - و وی مقرر ستوانند ته -
تمام احوال با مقدمات دو سال تحت نگرانی بالترین
روس و آستریا خواهد بود - افواج شاخولی مقدونیا
را از نظام خواهند نمود - سرداران انگیزی از
اتحادی فزائک مقرر خواهند شد - اگر ضرورت باشد
افسر کل را نیز فزائکی مقرر خواهند داشت و دولت
عمانی ذمه دار رفع تکلیف از مهاجرین است - تمام
دهات و محلات و مدارس و کلیساها که درین خشک
حرکت و ویران شده دولت عثمانی باید از نو تعمیر
نماید - قشون غیر مسلم عثمانی را متوقف خواهند
داشت - و قریه های بی توق را خائن نظام خواهند نمود

عبر (وزر) از کوهها خیر میدهد که در برای
تاریخ است کمال کیکری شوری منقذ داشته
نتیجه این شوری طاهرا این شد که امپراطور ژاپونرا
تخیم انحصار اصلاح حال چینان و اهالی (کوری)
علاوه بر سایر طریق صالح بستند مجبور دارد - ولی
مصر و تخمیناً روس از مسجوریا نگرند
مجلس حکم کرده و از این (ملکوکوس)
اینکه با و در خارج تجایه نموده نموده
محمودیه اصلاحات دولین روس و آستریا در صوبه
مقدونیا ظاهر میزند که حتی با سایر طایفه های آن صوبه
خواهد بود - و در مشیرینی از روس و دیگری
از مشیریا برای مشوره - و وی مقرر ستوانند ته -
تمام احوال با مقدمات دو سال تحت نگرانی بالترین
روس و آستریا خواهد بود - افواج شاخولی مقدونیا
را از نظام خواهند نمود - سرداران انگیزی از
اتحادی فزائک مقرر خواهند شد - اگر ضرورت باشد
افسر کل را نیز فزائکی مقرر خواهند داشت و دولت
عمانی ذمه دار رفع تکلیف از مهاجرین است - تمام
دهات و محلات و مدارس و کلیساها که درین خشک
حرکت و ویران شده دولت عثمانی باید از نو تعمیر
نماید - قشون غیر مسلم عثمانی را متوقف خواهند
داشت - و قریه های بی توق را خائن نظام خواهند نمود

§ علاوه بر آنچه مذکور شد، مجوز اصلاحیه تقدیمه
 این دولت (بنی شامی) است و منحصراً بقدری که از اجتناب
 انگلیس در قسودن مقدونیه خطر رسد است تا حدی که
 در این مورد باید...
 § وزیر خارجه روس برای مشوره خود ایسوف را
 با وزیر خارجه فرانس (موریل) در پاریس گردیده است.
 (۲۰ شعبان ۱۳۰۱، اکتوبر ۱۳۰۱)
 § وقایع جنگی اخیر (استانبول) از سبب و باقی تحت
 ترانسوالان تکراراً خبر میدهد که بحالته او در پی شهر
 حنا روفه مغایرت می شود - قیسی از زلفه گرانی و
 با وجود تمسیر زلفه آهنگ موافق کیفیت است.
 ارباب معادن موقع دولت مناصب عالیته صلاح در حلب
 میوران سببی ظاهر - سولی سائین در این امر رضا
 نموده است.
 § ۱۳ شهر جاری دو کشف جنگی ابتلیا (لومباردیا
 و کویت) با شش کشتی حمل وارد (الک) شده
 بجانب سواحل ارضیبار گردیدند که کشتی
 (لومباردیا) آغاز تپایک نمود - ارقان چنان ظاهر
 میشود که ملای (سومالی لیند) برای تصرف نمودن
 (الک) جماعتی را مأمور ساخته است - اخبارات
 ابتلیا را گمان این است که ملای مضمون محافظت در
 عوض دولت انگلیس دولت ابتلیا را در چهار مشکلات
 جنگ خواهد نمود.
 § دولت علیه عثمانیه در ماده اجرای مجوز اصلاحات
 روس و آستریا در مقدونیا عجله را روا نمی بیند -
 با اینکه تمام دول مجوز اصلاحات روس و آستریا را
 عطف نفاذ - ولی بجان گمان میبایند که سلب احتیاجات
 کلیه از دولت علیه عثمانیه مورت حسادت دول خواهد
 رسید و در چنین حال باستانی را قتلان حاصل
 خواهد بود.
 § خبر (روزنامه آز) توکیو - خبر میدهد که
 یکی از وکلای (روزنامه) بعد از حصول اجازه با وزیر
 ژاپون ملاقی شده برخی کیفیات ترا برش نموده است.
 ظاهراً دولت ژاپون در فراسلات راستی ستود بروس
 در اجتناب بمواعید خویش سخت گیری کرده تعلقات
 سیاسی خود را نیز با دولت انگلیس کاملاً محوره
 است - حکم عمل ژاپون باقی بعدی بمصاحبات خود

و نگاه داشتن صلاح در اقصای حقوق میباشد و نیز
 اظهار عداوت که دوات روس در ایضاً بمواعید خود
 مستعد است - و در مامکت سپین بلد شدن آوار
 توب لزوم پیدا نخواهد نمود.
 § امیرالطورین آلمان و روس وصه داده کیکنیگر
 را در (و یسینین) ملاقات نماید - حرالد روحیه
 اینین بمطوب اظهار مضرت نموده دیدار یسند که تمام دلتای که
 مائل صلح و مسالمت و امنیت است باید مسرور شود
 در چنین موقع که توجه تمام سیاسيون در معاملات شرقی
 اقصی معطوف است. تعلق این دو امپراطور عظیم الشان
 واقع میگردد.
 § چون امسک حاصل زراعت روس خراب شده
 خوان آمنت که مانند سنه (۱۸۹۱) خطی شدید شود -
 در بعضی از مروجات روس ابدأ حاصل شده و این
 گرانی سوریث امرایش مختلفه هم گردیده است
 (۲۰ شعبان - ۲۷ اکتوبر)
 § وقایع جنگی (دیلی کرانیکل) از اسلامبول مینگارد
 که مجلس وزرای عثمانی بحضور اعلیحضرت سلطان
 عرض دعائی تقدیم نموده انکار اقبول مجوز اصلاحات
 روس و آستریا در مقدونیا کرده این محورات را منافی
 با حقوق و شئون دولت علیه عثمانیه می شاپند.
 § در این هفته دولتین روس و ژاپون یکصد و است
 هزار تن ذغال سنگ خریداری نموده اند - دولت روس
 حکم داده بود که کشتی های تجارقی تسعه او در بندر
 (آرتور) برای تدارکات آماده و جویا ناسد - این حکم را
 بتازگی منسوخ نموده - ازینرو ظاهر می شود که خوف
 جنگ بین دولتین روس و ژاپون مرتفع شده است.
 § اخبار (امستردام) اعلامیکه در پترزبرگ و توکیو رسماً
 اشاعت یافته و در برلن رسیده است انتشار میدهد - که
 امپراطور روس و وزیر خارجه دولت مصلحانها - سوده
 اصلاحاتی که دولتین انگلیس و ژاپون پیش میبایند شروع
 بر اینکه با الفاظ صلح آمیز باشد قبول خواهند نمود.
 § امیرالبحر روس (الکسراف) برای ملاحظه شان
 قشون (تالیزوان) رهسپار شده است.
 § طلب داشتن تمام قشون بظنار از سرحد طاهر
 میدارد که بحول جنگ با عثمانی امساله موقع
 گردیده.

§ خبر (روز) خبر میدمد که تمام دولت ترک
محمودیه اصلاحات دولتین روس و آستریا را درباره
مقدونیا امضا کرده اند

§ یکی از ارمنه که ریاست هیئت مهاجرین ارمنستان
را داشت در (بیگم) قتل رسیده - قاتل فرار کرده
رحمی را عقیده اینست که این قتل مبنی بر معاملات
یوانیکی بوده حقیقت امر من بعد ظاهر خواهد گردید
(۶ شعبان - ۲۸ اکتوبر)

§ مستر جبرایلی وزیر مستعمی مستعمرات دولت انگلیس
ضمن بطایفه در شهر (لورپول) داده بیان نموده است
که يك مرتبه دیگر رأی خود را بعملهجات پیش نموده
و در ماده تجارت خارجه بحث خواهد نمود - و بآنها
ظاهر خواهد داشت که بواسطه پای سدی در مسلك
آرادی تجارت قانوناً از حقوق خود آنها محروم نموده
اند - از آن پس عملجات در وقت رأی دادن ملاحظه
منازع خویش را کرده خواه موافق یا مخالف من باشد
رای خود را بدهد - و نیز محمداً به خلاصیان بحری
این مسئله را امتدای نموده بدیشان واضح خواهد
داشت که تا آن قوت و هودی که آنها را در کارهای
ملکی حاصل است میتواند خویشی را از این مهالك
خارجه بجات دهد

§ (مسیو اولیتیزن) فرما همای روس در سواحل
دریای خزر در حالتیکه سوار کالسکه و در بواج
تفایس گردش میدمود - سه هر در کالسکه او ریخته
ادیت و آزارش نموده - قزاقیکه در عقب کالسکه
او بود آنها را تعاقب کرده هدف کلوله ساخت -
فرما همای سرور را اندک حراقت رسیده است
§ وزیر خارجه روس وارد پاریس گردید -

§ چهل هزار عملجات در (بلاوا) که یکی از شهر
های اسپانیا میباشد دست از کار کشیده آثار بلوای
محمودیه - بلوایان در قطار راه آهن ناراحت انداخته
آتش میزدند - و کارخانجات را جراب میزدند - نشوون
وسلح طلب شده بلوایان شلیک نموده حکم محاصره
داده اند

(۷ شعبان - ۲۹ اکتوبر)
§ بموجب خبر تکراری که در (پترزبرگ) رسیده سیر
دولت انگلیس ۲۹ شهر حال برای ملاقات فرما همای

هند از طهران بجانب روسیه رهسپار میگردید
§ بموجب خبریکه از (آفوه) باخبار (استندود)
رسیده حکومت کنیدا مصفیة نمود که تفرقه گمرك
الرفقای جنوبی را بجان قسی که با انگلستان جاری
است برقرار دارد

§ هفت نفر از بلوایان (بلاوا) مقتول و صد نفر
مجرور گردیده و تا کنون شهر مضطرب است

§ روزنامه (طمس) ضمن نگارشات خود در مناقشه
دولتین روس و ژاپون مینگارد - که دولت ژاپون با
این که مذاکرات جنگی را کابیننی دیده و با وجود آن
اطمینانیکه از قوه حمایت دولت انگلیس باو را حاصل
است باوای و نومی در برابر رقیب حرکت مینماید -
شک نیست که دولت ژاپون در حفظ حقوق خود
سامی و جامد و تا جائیکه امکان داشته باشد انجام کارها
را بصلاح خواهد داد -

مکتوب از طهران

۷ رجب ۱۳۲۱

حساب مؤیدالاسلام - امروز جز ذات با برکات
آن یگانه دولت خواه وطن دوست کسی که بدردهای
درونی ملت و دولت ما برسد - و درمانی برای آن درد
ها که حکم امراض موروثیه پیدا کرده به نماید سراغ
نداریم -

بجدا قسم هرگاه ده نفر مانند جنایت خود را
در راه ترقی دولت و ایقاعات وقت میدمود - و بمسلك
مستقیم و صراط قوم آن حساب قدم میزدند - هر آینه این
بد بختیهای حالیه مات و سیه روزگار پشای امروزه
دولت را میگردیدیم - ملک آباد - ملت بیدار - دولت مقتدر
و هوشیار میگردید -

ببخشها خطا گفتم - هرگاه صد سفید در جلو آتشبار
حیالات عالیه ات می کشیدند - و فقط از افکار بتجالیه ات
مانده بر میگردفتند - تا این درجه بابت مضطرب - ملک
ویران - دولت صیغف - نمیگردید - چه برطلدان روشن
است که آن مادی عوالم ایبایت - و آن جارجی ترقی
ملت و دولت اسلام یارده - ال است بندهای بلند - و
صوت رسا و آواز مهیبت و حزن - گاهی ملت را

کوه‌نشین دو مرکز خویش قرار گرفته از هیچگونه
مصائب و مناصب لذت‌جویی نجنبند - و در پیش رفت مقاصد
مقدسه خود هیچ زحمت و محنت را خوار راه نشانند -
حکیم علی‌الاحلاق دانا و بصیر است که برای اینوضع زحمت
شاقه و این‌گونه خدشات طایه چگونه طبایع هفت
شش مستقیمه مستفه را مانند جنابهای برانگیزاند

(آفرین بر همت باروی تو)

در حقیقت داد همت دادی - و منی استقامت نمودی -
و بر عالمیان ظاهر داشتی - که هر کس بابت صافی و عدلیت
پاک از خود گذشته همت در هر کار سعی بر کار و طاقت
مقتضی المرام شده لباس مستی بر وجودش خواهد پوشاید
(هر کاری که همت بستم گردد)

(اگر خاری بود گلدست گردد)

همت جناب عالی مثل معروف (دو دل یک شود
بشکند کوه را) تا درجه موزون تو و نازک تر قرار
داده مفاد این شعر را بر عالمیان نمود

(یک وجود با درایت گر بگردد مستقیم)

(صد هزاران کوه خارا بر کند از بیخ و بن)

همچنین

محمد اده میرزا علی اصغر خان صدر اعظم مزول -
و ابواب فرح و نشاط و خرمی و انبساط بروی اهل
ایران شکشوده - آثار پهبودی از هر طرف ملک و
ملت و دوات نمودار است - چه شاهنشاه فطره ترقیخواه -
ملت طبعاً شاه پرست - قابل تربیت - مستعد هرگونه
خدمت - مملکت وسیع و زر حیز - و لایق همه قسم
تعمیر - خدا خواسته مانع برخاسته است

! اینکه ابد برای ایرانیان مجال درنگ نمانده باز هم
برای انتظام کارها اندک صبر در کار است - چه با
آنچه حرایهها که خود میدانید میرزا علی اصغر خان در
عرضه سی ساله ریاست خود کرده - و آنچه اسباب
اضمحلال و زوال و اقراض که برای ملت و دولت
و مملکت فراهم آورده - بمثل هیچ مافیل مدبر دانا
درست نیاید و نتواند گفت - که مجرد عزل او

صیحت کرده - گهی دولتوا از پیش آمد کلوتها ترسانده -
گاهی تشویق - و وقتی تشویب خوده است - شاید تاگر
نوشتهجات شهروز در صرصه این پازنده سال جمع نیایم -
چند بار شتر شود - و هیچ نکته از خواست ملیج و دولیه
که در او بخت نه شده باشد نیایم - و سه‌تله که مضار
برای ملت و دولت همیا سکند که در آن سخن نکته
باشد به نظر نرسد - پیش آمد تا بچاه سال ایران
چه قدر طریق ترقی و چه قدر راه تنزل قدم زنده
نگاشته آمده است

افسوس - که هر چه پیش رفتی کم شنیدیم - آنچه
دوستی کردی عداوت داشتیم - هر قدر لصیحت نمودی
فضیحت انگاشتیم - در ازای این همه خدمات - کردند
در حق آنگه را در حق دشمنان روا نمیدیده
در هر صه یازده سال با این همه اسبابهای ظاهره - و
سرمشغلههای باهره - هرگاه ملت و دواتی که هیچگونه مانع
و طایق برایشان نبود - و با منتهای امنیت - بدون
خوف از دشمن - پای در جاده ترقیات میهادند - امروز
بدون اغراق دوات جمع ترقیات ملیه و دولیه را نائل
گردیده بودند - بجای اشک خون از دیده بیرون می آید
که روز بروز در عوض ترقی و برقیده ایم

(نوح نصد سال دعوت می نمود)

(دسبدم از کفار قوش میفرزود)

آری اگر دیده بصیرت باشد و دل عبرت گیر -
فقط در ترقیات بیست و پنجساله (بلغار) نظر انداخته -
میفهمیم آنچه نگارش یافته خالی از اغراق و بیرون از
غلو است - جای سورش دل اغماست که وقت گذشته
مانند تیر از شصت و هفتاد شده است - که باز نیاید - خداوند
دودمان آن رجال خان را که مانع و طایق ترقیات ملیه و
دولیه ما شده اند از بیخ و بن بر کند - که ملت و دولت
را خاکستر نشین - ذلیل - زبون - اسیر اجانب نمودند
الحق سائیکه منادی طریق رشاد و جارجی طرق
سداد و مدعی وطن دوستی و دولت خواهی و ملت
پروری است - بیدوار از هر نسیم و صحرای نلرزد - و مانند

جمله خرابیهای ملك و ملت ایران رفع گردد - منگ
که يك هوا به پناه اندازد هزار عاقل نمیتواند بیرون
آورد

البته میتوان گفت خرابی که دلیل راه نیست و
دلت و خولقی و باهی ایران و ایرانیان بود - برو
مال شکسته - همگام صدور آیه و رجال دربار گردون
وقار در آینده بخواهند میتوانند شالوده نیکیستی و
اساس ترقیا برای ایرانیان از نو بگذارند - یعنی ابواب
ترقی را به پادشاه ترقی خواه ما به نمایندگی می کنند
تا در موقع اجرا آید

جباب حاجی امین الدوله - که سارک ایرانش گویند -
(خدایش از گزند جاسدین محفوظ داند) از فرنگستان
طاب - و به همین زودیا وارد طهران خواهد شد -
حاجاهالی نیکیو میدانید - که با این وضع حالیه صد
بهارك دفع يك خرابیا عاجلاً نتواند نمود - خزینه
دوات خالی - عمل مالیه مخشوش - سرحدات بی استحکام -
قشون بی نظام - خرج دولت از دخلش افزون - صفحه
اعتبار ما و دولت بواسطه استقراضهای پیشومه و از گون
مت خوار از کواکب افزون - بیمار بسیار - بیکار
پیشار - صنعت مدموم - زراعت مفقود - طرق تسهیل
تجارت موهوم - رجال دربار خود غرض - متفدین
خود پسند - حکام خود سر - احزای حکومت
بشعور و مدرك - ه درد دین در میان - نه فکر دنیا
در کار - بزرگ و کوچک - فیر و غنی - دو دسته
گلاه خویشرا گرفته که متجاوزین و متفدین ربایند -
هرزبردست نسبت بزبردست خود همین حال را داراست -
و هرزبردست در یاره فیر دست خویش از هیچگونه
اجحاف دریغ نمی آورد - نه از مروت اسم - و نه از
عدالت رسم - بلوار ظلم و اجحاف و تعدی و استبداد
در هر طبقه رواج - و سوق در ستکاری - اطاعت دیانت
خیر خواهی ملك و ملت و دولت در هر فرقه کساد -
حاکم بحق خویش راضی نشود - عالم تکلیف خود نداند -
اهالی حقوق خویش را نمائند - عهده و منصب و

مأمورین و مأمورین دولتی - مأمورین و نمایندگان دولت
اغیار لطف پادشاه تصور میکنند - مدد معاشی
سویسر میکنند - و خویششان را در هیچ مأموریت
برج خدمت مسئول تصور نمی نمایند - بر فرض حال
هرگاه از هزاران وظیفه بیکر عمل شود - تا اندازه
منته بر ملت و دولت گذاشته و خود را برتر از
سناش شلاند - تکبیر و نخوت جاهلان به درجه
در سرهای بزرگ و کوچک جای گرفته است که با
فوق خود را تصور نموده - ما دون خویشرا در
شهادت می آوریم - ولی این تکبیر و نخوت را نسبت
بزیردستان و محنمان خود داریم - و با اجانب خضوع
و خشوعمان - باندازه و پایه میباشد که جهت گدایان
مسیحی را از پشت بسته ایم

دیپلماتهای ما بقیه را در دروغ گفتن - و امیدوار
ساختن - و پیچیدن سر زیر دستان فلك زده داسته
که از روی حسن ظن رجوع بدانها مینمایند - یکی از
آن بزرگواران بر سبیل مذاکره بیان کرد - که سخن
گفتن و قول دادن هواست که از دهن بیرون آمده -
شامل هوای محیط میگردد - مرد دیپلماترا دو دهن
است - چنانچه از دهن زیرین هواست که از خارج
شود اثری جز تعفن بر آن مترتب نیست - از دهان
بالاین نیز هرگاه سخنی از او بچهد - جز حیرانی و
سرگردانی اثر دیگر از آن توقع داشتن غلط است
با عدم جهل دعوی همه دانی داریم - و با بیلباقی
خوشتن را دارای همه گونه قابلیت مینماییم - از صاحب
صادقه متفرایم - از تعجبات کاذبه خورسند و
فرحناک - هر کس هرچه دارد میخواهد صد چند آنرا
جلوه دهد - از فضل جز الفاظ نجویم - و از علوم جز
فضل فروشی و لناظری نخواهیم - مرده مد خویشی بنهر
جائز - فرفته تمجیدیم بکذب و دروغ - ناصح را دشمنیم
خیرخواه را عیب - اقرار بلا علم بهشان بفراموشی -
مشوره و مصلحت الحاد و زندقه - از استبداد مینمایم -
و جز استبداد عمل نمی کنیم - در راههای غیر جائز